

پایداری شرکتی: راهبردی تئوریک و یکپارچه با رویکرد دستوری و عمل‌گرا

حسن چناری بوکت^۱

بهمن بنی‌مهد^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۱۹

چکیده

پایداری شرکتی رویکردی اقتصادی و عمل‌گرا با پتانسیل خلق فرصت‌ها و مخاطرات برای داد و ستدها می‌باشد. تعارض و ارتباط احتمالی بین عملکرد پایداری اقتصادی و عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی هنوز به‌طور مفصل در منابع علمی و پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته است. این مقاله تلاش می‌کند تا خلأ موجود را با پیشنهاد چارچوبی شامل چهار راهبرد یکپارچه مانند تلفیق تئوری پایداری، خلق ارزش سهام‌پایدار، بهبود مستمر عملکرد و گزارش‌گری و اطمینان‌بخشی عملکرد پایداری پر کند. پیشنهادها برای هر یک از این چهار رویکرد برای پژوهش‌های پایداری در آتی به‌کار خواهند آمد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد پایداری، تصمیم‌گیری مدیریتی، خلق ارزش سهام، گزارش‌گری و اطمینان‌بخشی پایداری یکپارچه.

۱- دانشجوی دکتری گروه آموزشی حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران. ha_chenari@yahoo.com
۲- دانشیار گروه آموزشی حسابداری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران (نویسنده مسئول) dr.banimahd@gmail.com

۱- مقدمه

پایداری شرکتی رویکردی اقتصادی و عمل‌گرا با پتانسیل در راستای خلق فرصت‌ها و مخاطره‌ها برای تجارت و داد و ستد می‌باشد. تأثیر و ارتباط احتمالی بین ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی^۱ و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی^۲ هنوز به طور مفصل و جامع مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است. در این پژوهش سعی بر این است تا خلأهای موجود با پیشنهاد چارچوبی شامل چهار راهبرد یکپارچه مانند تئوری پایداری، خلق ارزش سهام پایدار، بهبود مستمر عملکرد و عملکرد پایداری گزارش‌گری پر شود.

طی سال‌های اخیر تمرکز نهادهای آکادمیک به بحث حسابداری در راستای پایداری بیشتر شده است؛ طوری که مقالات منتشره در این رابطه تأیید کننده‌ی آن می‌باشد. هم‌چنین به نظر می‌رسد که مطلع بودن سازمان‌ها نسبت به اهمیت فعالیت‌های تجاری پایدار افزایش یافته است. برای نمونه می‌توان مشاهده کرد که در طی این سال‌ها بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان به‌طور اختیاری اقدام به افشای گزارش‌های پایداری و محیطی کرده‌اند. از دیگر سو در این زمینه درک و آگاهی در عموم سازمان‌ها وجود دارد و حسابداران نقش مهمی را در فرآیند گزارش‌گری ایفا می‌کنند. هم‌چنین نهادهای حرفه‌ای و تخصصی حسابداری نیز توجه ویژه‌ای به مباحث پایداری از خود نشان داده‌اند. با وجود این، توافق در بین افراد دانشگاهی برای تعریف و مفاهیم گزارش‌گری پایداری وجود ندارد و هنوز حوزه‌های ناشناخته و مبهم بسیاری برای موفقیت در یکپارچه کردن پایداری در فرآیندهای سازمانی بدون پاسخ باقی مانده است. یکی از چالش‌های اساسی حسابداری در رویارویی با مسایل حوزه پایداری شامل ابهام و پیچیدگی موضوع و فقدان تعریف واضح و قابل درکی از توسعه‌ی پایدار و به تبع آن گزارش‌گری پایداری است.

طبق تعریف عمومی توسعه‌ی پایدار توسعه‌ای است که ضمن رفع نیازهای نسل حاضر، چگونگی برطرف کردن نیازهای نسل آینده را نیز مورد توجه

قرار می‌دهد. در این راستا سوال اساسی در زمینه محدوده‌ای است که باید از بعد زمانی و جغرافیایی بین سازمان، محیط و آثار اجتماعی آن مورد توجه قرار گیرد. برای مثال یک سازمان چند دهه یا چند سده از آینده را باید در بررسی آثار عملیات تجاری خود در نظر بگیرد؟ و در سنجش این آثار کدام‌یک از نگرش‌ها و دیدگاه‌های مختلف را باید به کار گیرد؟ چالش دیگر ارتباط بین پایداری و اهداف تجاری شرکت در جهت حداکثر کردن رشد سرمایه و منافع سهام‌داران و ذی‌نفعان است. اگرچه تحقیقات نشان می‌دهد که ترویج فعالیت‌های تجاری پایدار می‌تواند سودآوری بلندمدت را بهبود بخشد، اما این ارتباط همیشه واضح و مشهود نیست و این سوال برای تصمیم‌گیرندگان وجود دارد که تا چه اندازه و در چه محدوده‌ای سازمان‌ها باید آثار خارجی فعالیت‌های خویش را در نظر گیرند. مشکل عملی دیگر در مواجهه با این چالش‌ها این است که با استفاده از سیستم‌های حسابداری سنتی، اندازه‌گیری و سنجش آثار خارجی عملیات سازمان به سادگی ممکن نیست و ترازنامه متداول صرفاً شامل دارایی‌های تحت مالکیت سازمان و بدهی‌های ناشی از تعهدات قانونی و قراردادی است و به‌طور کلی نمی‌تواند در برگیرنده‌ی آثار محیطی و اجتماعی سازمان‌ها باشد.

در محیط‌های تجاری کنونی، تجارت‌های جهانی تحت بررسی دقیق از سوی قانون‌گذاران، نهادهای تدوین‌کننده‌ی استانداردها، جامعه‌ی سرمایه‌گذاری و سهام‌داران تمرکز گسترده و وسیعی بر عملکرد پایداری دارند (رضایی، ۲۰۱۵). در سال‌های اخیر، پایداری شرکتی از تمرکز بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی^۳ و عملکرد محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به سوی اهداف پایداری تکامل یافته است که می‌تواند بازدهی و عملکرد مالی با کیفیت بالا را راهبری کند (فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۴، ۲۰۱۵). جهت گیری پایداری شرکتی متمایل به بخش‌های مرکزی رویکردهای تجاری بوده و در حال حاضر متخصصان امور تجاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی را به‌عنوان عاملی از پایداری شرکتی ارزیابی می‌کنند (کاپرون و همکاران، ۲۰۱۵؛ نگ و رضایی، ۲۰۱۵؛

بکارگیری قوانین، مقررات و بهترین شیوه‌های مقابله با مخاطرات زیست‌محیطی توسط مدیریت.

ح- طرح‌های پایداری: گزارش‌گری تصمیم‌گیری راهبردی بلندمدت، وظیفه اصلی یا امانی مدیریت، خلق ارزش سهام‌دار است، هدف مدیریت بایستی طراحی و به‌کارگیری معیارهای حاکمیت شرکتی اثربخش در راستای حفظ منافع ذی‌نفعان، مدیریت بایستی با سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی منجر به ارایه‌ی تصویری مطلوب از نام و نشان و اعتبار شرکت شود، انطباق با قوانین محیط زیست.

خ- تئوری‌های پایداری: نظارت - مباشرت - وکیل خرجی، نمایندگی/سهام‌دار، سهام‌دار/ ذی‌نفع، مشروعیت/علامت‌دهی، نهادی.

د- گزارش‌گری پایداری/ اطمینان‌بخشی: تصمیم‌گیری مدیریتی و تحلیل‌ها، صورت‌های مالی و گزارش‌های حسابرسی، گزارش حاکمیتی و اطمینان بخشی، گزارش‌های اجتماعی و اطمینان بخشی، گزارش‌های محیطی و اطمینان بخشی.

بررسی ادبیات دانشگاهی نشان می‌دهد که نگرش‌های متفاوتی از حسابداری برای پایداری مطرح است و هم‌چنین اجماع کلی برای حرکت در این مسیر وجود ندارد. نقطه نظرات و مباحثات بیشتری ضرورت دارد تا سیستمی توسعه یافته برای یکپارچه‌سازی پایداری در حسابداری و فرآیند گزارش‌گری ایجاد شود.

در ادامه منابع مرتبط با پایداری را مرور می‌کنیم که بیان‌گر این‌که منابع موجود به اندازه‌ی کافی نگرانی‌ها بین ابعاد عملکرد پایداری را مورد بررسی قرار نداده‌اند. چهار راهبرد مفهوم تئوری، خلق ارزش یا ارزش آفرینی سهام، بهبود مستمر عملکرد و گزارش‌گری عملکرد پایداری و اطمینان‌بخشی به ترتیب در بخش سه و چهار مورد بررسی قرار می‌دهیم. در انتها، بحث و نتیجه‌گیری شامل نکاتی پیرامون رویه‌ها و پیامدهای مدیریتی و علمی پایداری شرکتی با پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی می‌باشد.

جاین و همکاران، ۲۰۱۶؛ رضایی، ۲۰۱۶؛ رضایی، ۲۰۱۷) و با وجود تئوری‌های متعدد و مختلف در زمینه‌ی پایداری (آگوئلرا و همکاران، ۲۰۰۷؛ استاریک و کاناشیرو، ۲۰۱۳)، نیاز برای یک رویکرد الزام‌آور و روش عملی برای پایداری شرکتی وجود دارد. هدف این پژوهش ارایه‌ی چارچوب برای رویکردی الزام‌آور و روش عملی در مدیریت عملکرد پایدار و روشی یکپارچه و جامع برای عملکرد پایداری شرکتی و گزارش‌گری است. چارچوب پیشنهادی ترکیبی از چهار رویکرد تلفیقی و یکپارچه‌ی پیامد تئوری پایداری، خلق ارزش سهام، بهبود مستمر عملکرد پایداری و گزارش‌گری عملکرد پایداری و اطمینان‌بخشی می‌باشد که ذیلاً ارایه و در بخش‌های بعدی توضیح داده شده است. پیشنهادها برای هر یک از این چهار رویکرد در پژوهش‌های آتی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارتباط و پیامدهای چارچوب پایداری پیشنهاد شده برای سازمان‌های تجاری و پژوهش‌های آتی نیز ارایه گردیده است.

چارچوب پایداری یکپارچه به شرح زیر است:

الف- ذی‌نفعان: مدیریت، سهام‌داران، مشارکت‌کنندگان مدیریتی، جامعه، محیط.

ب- سرمایه‌ها: راهبردی، مالی، انسانی، اجتماعی، انطباق/ قانونی.

پ- مخاطره‌ها: شکست، مالی، راهبردی/ عملیاتی، اعتبار، انطباق.

ت- عملکرد: هدف، مأموریت، اقتصادی/ مالی، حاکمیتی، اجتماعی، محیطی.

ج- ارزش سهام: برنامه‌ریزی راهبردی، ارزش آفرینی سهام‌دار، تأثیر حاکمیتی و فرهنگ اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، محیط بهتر برای نسل آتی.

چ- فعالیت‌ها: عملکرد مدیریتی، بهبود بازار و عملکرد حسابداری، سودها، رشد، سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه، هیأت مدیره‌ی مستقل، کمیته‌ی هیأت مدیره، پاداش مدیریت، کنترل‌های داخلی، رضایتمندی مشتری، محیط کاری، مشارکت،

۲- چارچوب نظری و مروری بر پیشینه

۱-۲- چارچوب نظری

اصطلاح پایداری سال ۱۹۸۷ در گزارش بروتلند به‌عنوان گسترشی که نیازمندی‌ها برای زمان حال را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود تأمین نماید، تعریف گردیده است (کمیسون جهانی محیط زیست و توسعه^۵، ۱۹۸۷). پایداری تجاری مفهومی نسبتاً نوین است که به‌صورت دستیابی به راهبردی تجاری از طریق تخصیص منابع مالی و یا منابع درون شرکتی در راستای فعالیت‌های عملکرد پایداری اقتصادی (تونه‌لو و سینگر، ۲۰۱۵) و این‌که اساساً فرآیندی متمرکز بر دستیابی به کلیه ابعاد عملکرد پایداری (اقتصاد، حاکمیت، اجتماعی، اخلاقی و زیست محیطی) (بروکت و رضایی، ۲۰۱۲؛ رضایی، ۲۰۱۵) ارایه شده است.

پایداری شرکتی از سبزشویی^۶ و نام و نشان تجاری به سوی یک ضرورت در شرکت‌های بزرگ در سطح جهانی که گسترش پایداری را در خلق فرصت‌ها برای رشد و توسعه‌ی شغلی، ابداع محصولات و خدمات جدید و درآمدزایی در حرکت است. تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاران جهانی اطلاعات عملکرد پایداری فراتر از گزارش مالی شرکت در ایجاد اشتغال و اتخاذ تصمیم‌های مدیریتی را به‌کار می‌برند (راجرز، ۲۰۱۵)؛ سه چهارم متخصصان سرمایه‌گذاری هنگام اتخاذ تصمیم درباره‌ی سرمایه‌گذاری از اطلاعات عملکرد پایداری اقتصادی استفاده می‌کنند (موسسه سی.ا.ف.ای^۷، ۲۰۱۵). گزارش فدراسیون بین‌المللی حسابداران (۲۰۱۵) بیان کرده است که از سازمان‌های تجاری جهانی انتظار می‌رود مسئولیت طیف گسترده‌ای از مسایل مربوط به پایداری، مانند جنبه‌های اجتماعی و زیست محیطی موثر بر عملکرد مالی و توانایی سازمان در خلق ارزش در طول زمان را بر عهده گیرند. سرمایه‌گذاران جهانی ابعاد مختلفی از عملکرد پایداری را در تحلیل‌های سرمایه‌گذاری‌شان مورد ارزیابی قرار دادند، طوری که سرمایه‌گذاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی با افزایشی بالغ بر ۲۲ درصد

به ۳/۷۴ تریلیون دلار در دارایی‌های مدیریت شده در طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۱۰ رسیده است (انجمن سرمایه‌گذاری اجتماعی^۸، ۲۰۱۲). بورس اوراق بهادار در سراسر جهان به جهت نیاز و توصیه، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را به گزارش اطلاعات پایداری ترغیب می‌کند (مانند بازار سرمایه‌ی سنگاپور، ۲۰۱۱؛ بازار سرمایه‌ی تورنتو، ۲۰۱۴؛ بازار سرمایه‌ی هنگ‌کنگ، ۲۰۱۵) و بیش از ۶۰۰۰ شرکت اروپایی نیاز خواهند داشت تا ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و اطلاعات گسترده و متنوع خود را برای سال مالی ۲۰۱۷ افشا نمایند (کمیسون اروپایی^۹، ۲۰۱۴).

در مطالعه‌ی انجام شده توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ پیشنهاد شد زمانی که سنجش ارزش سرمایه‌گذاری پرتفولیو انجام می‌گردد، ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری به اندازه‌ی عملکرد مالی حایز اهمیت است و برای سرمایه‌گذاران از ارزش مربوط بودن برخوردار می‌باشند، طوری که بیان‌گر مخاطرات و فرصت‌های جدید است (پیمان جهانی سازمان ملل^۹، ۲۰۱۳). بان‌سال (۲۰۰۵) در پژوهش‌های خود به این نکته اشاره دارند که شرکت‌ها سلول‌های بنیادی زندگی اقتصادی مدرن هستند که منابع زمین را به ثروت تبدیل می‌کنند و به همین منظور نیازمند بازنگری اساسی در فعالیت‌های خود با توجه به اهمیت سلامت زمین، انسان‌ها و جامعه هستند. انتولین-لوپز و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود بیان کردند که امروزه شرکت‌ها بر اساس ابعاد پایداری رتبه‌بندی می‌شوند که برای ذی‌نفعان و صاحبان صنایع اهمیت ویژه‌ای داشته و ابعاد پایداری نیازمند توسعه است.

۲-۲- مروری بر پیشینه

اغلب منابع علمی بر روی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و زیرمجموعه‌های آن، عملکرد و تأثیرات آن بر روی عملیات مالی و سودها تمرکز نموده‌اند. البته، همان‌طور که ره‌بین (۲۰۱۴) اشاره نموده است، نقشی که مدیریت در تعیین سرمایه‌گذاری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و

متوسط کاهش خطر عدم تقارن اطلاعات و در نتیجه هزینه‌ی پایین سرمایه را تجربه می‌کنند. برخی مطالعات صورت گرفته عبارتند از: دالیوال و همکاران (۲۰۱۱)؛ ال‌غوئال و همکاران (۲۰۱۱)؛ چنگ و همکاران (۲۰۱۳)؛ گاس و روبرتس (۲۰۱۱)؛ بوسلاچ و همکاران (۲۰۱۳).

ارزش شرکت: پژوهش‌های پیشین شواهدی متضاد را در رابطه با تأثیر بعد غیرمالی عملکرد پایداری اقتصادی متعلق به سودها بر ارزش شرکت فراهم کرده‌اند. برخی از این مطالعات عبارتند از: هاگس (۲۰۰۰)؛ دالیوال و همکاران (۲۰۱۱)؛ ال‌غوئال و همکاران (۲۰۱۱)؛ برتونچ و لاگت (۲۰۱۳)؛ کایرون و همکاران (۲۰۱۳)؛ گوس و روبرتس (۲۰۱۱)؛ هامان و همکاران (۲۰۱۳).

گزارش‌گری / قابلیت اتکا: پژوهش‌های علمی به تعامل و هماهنگی معیارهای مالی و غیرمالی در عملکرد پایداری می‌پردازد. برخی از این مطالعات عبارتند از: اینهورن (۲۰۰۵)؛ اونوو و سرافیم (۲۰۱۲)؛ فلیو (۲۰۱۳)؛ هیلی و پالوپو (۲۰۰۱)؛ بوتوسان (۱۹۹۷)؛ هیلی و همکاران (۱۹۹۹).

این بخش از پژوهش شامل چندین مطالعه نظیر دالیوال و همکاران (۲۰۱۱) و ال‌غوئال و همکاران (۲۰۱۱) است که شواهد تجربی را در راستای ارایه‌ی پیشنهادات برای ارتقای برنامه‌های محیطی، اجتماعی و حاکمیتی عملکرد مالی آتی شرکت فراهم می‌کند. چندین مطالعه منافع پایداری را مورد ارزیابی قرار دادند و این‌که آیا سرمایه‌گذاری پایدار در مسایل زیست محیطی و اجتماعی از دیدگاه مشتریان نسبت به محصولات و خدمات صورت می‌گیرد یا خیر؟ (بانسال و مکنایت، ۲۰۰۹؛ کارتر و ایستون، ۲۰۱۱)؛ فاوست و همکاران، ۲۰۱۱؛ لوچس و همکاران، ۲۰۱۰). جاین و همکاران (۲۰۱۶) گزارش نمودند که ابعاد عملکرد پایداری اقتصادی، و محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مرتبط هستند و خرده‌فروشان از شرکت‌های با رتبه‌های عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بالا پرهیز نموده و بیشتر متمایل به شرکت‌های هدف با رتبه‌های عملکرد پایداری

زیرمجموعه‌های آن به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از پایداری تجاری ایفا می‌کند بیش از پژوهش‌های علمی و آکادمیک است. این مطالعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به‌عنوان عاملی پیوسته با پایداری تجاری مورد بررسی قرار می‌دهد. این دیدگاه توسط سایر پژوهش‌گران نیز تأیید و به اشتراک گذاشته شد (مانند نگ و رضایی، ۲۰۱۵؛ رضایی، ۲۰۱۵؛ خان و همکاران، ۲۰۱۶). در ادامه بر روی مرور پژوهش‌های مرتبط با تئوری‌های پایداری شرکتی، استانداردها، عملکرد، گزارش‌گری و اطمینان‌بخشی به‌صورت خلاصه شده می‌پردازد (رضایی، ۲۰۱۷).

نظریه‌ها: این جریان پژوهش شامل: کانلی و همکاران (۲۰۱۱)؛ کارتر و ایستون (۲۰۱۱)؛ تولبرت و زوکر (۱۹۹۶)؛ آگل و همکاران (۲۰۰۸)؛ کمپیل (۲۰۰۷)؛ گاروهر و جوهانسون (۲۰۱۰)؛ فری‌من و همکاران (۲۰۰۴)؛ می‌یر و روان (۱۹۷۷)؛ گرینبلت و هوانگ (۱۹۸۹)؛ پاتن (۱۹۹۲)؛ لیندبلوم (۱۹۹۴)؛ که بر چارچوب نظری پایداری و پیامدهای آن بر مدیریت، گزارش‌گری مالی و مدیریت زنجیره‌ی تأمین متمرکز است.

استانداردها: برخی از مطالعات مرتبط با استانداردهای پایداری عبارتند از: رونداینلی و واستگ (۲۰۰۰)؛ بانسال و هانتر (۲۰۰۳)؛ پوتوسکی و پراکاش (۲۰۰۵)؛ سیورینگ و نولر (۲۰۰۸). این مطالعات پیشنهاد کرده‌اند که گواهی‌های مرتبط با استانداردهای ISO می‌تواند انطباق با قوانین محیط و استانداردهای اجتماعی را ارتقا دهد.

عملکرد راهبردی مدیریت: برخی از مطالعات عبارتند از: بارنت (۲۰۱۲)؛ اسپیکر (۱۹۷۸)؛ دالیوال و همکاران (۲۰۱۱)؛ راثو و هولت (۲۰۰۵)؛ اسپچریک (۲۰۱۱)؛ ویو و شن (۲۰۱۳)؛ بانسال و مکنایت (۲۰۰۹)؛ لوچس و همکاران (۲۰۱۰)؛ کارتر و استون (۲۰۱۱)؛ فاوکت و والر (۲۰۱۱).

مخاطره / هزینه‌ی سرمایه: مطالعات در ارتباط بین ابعاد مختلف عملکرد پایداری و هزینه سرمایه به صورت جداگانه انجام می‌شود و نتایج بیان‌گر آن است که تمام پنج بعد EGSEE عملکرد پایداری، به طور

محیطی، اجتماعی و حاکمیتی پایین می‌باشند. هوآنگ و واتسون (۲۰۱۵) پژوهش‌های منتشر شده بر روی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی/ محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را در دهه‌ی گذشته در ۱۳ مجله اصلی حسابداری مورد مطالعه قرار دادند و بحث نمودند که اندازه‌گیری تأثیرات ابعاد مالی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی به لحاظ هزینه‌های مرتبط و منافع بالقوه‌شان مشکل می‌باشد. این مطالعات روی هم‌رفته یک ارتباط U شکل بین ابعاد مالی و غیر مالی عملکرد پایداری گزارش می‌نمایند که شرکت‌های خیلی کوچک و خیلی بزرگ بیشتر احتمال دارد که در فعالیت‌ها و عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی مشارکت کنند.

ارتباط بین ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی متعدد و مخاطره‌پذیری شرکت (و بنابراین هزینه بازار شامل بدهی و سرمایه‌ی بازار) در مطالعات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. اسپایسر (۱۹۷۸) بحث نمود که ارتباطی متوسط تا قوی بین سهام عادی شرکت و عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی آن با توجه به مخاطره‌پذیری زیست محیطی وجود دارد. نگ و رضایی (۲۰۱۵) دریافتند که ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و غیرمالی و عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ارتباطی معکوس با هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام (هزینه‌ی سرمایه) دارد و ارتباط بین عملکرد مالی هزینه حقوق صاحبان سهام با ارایه و افشای عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی قوی‌تر می‌باشد. چندین مطالعه‌ی دیگر (مانند کوربت و کلاسن، ۲۰۰۶؛ پاگل و همکاران، ۲۰۰۶) در پژوهشی ارتباط طرح‌های سبز و اجتماعی مدیریت زنجیره‌ی تأمین را در مورد این‌که سازمان‌ها بایستی با رویدادهای محیطی و اجتماعی تعامل داشته باشند که در قبال هر دو مسئول بوده و تضاد و تعارضی نداشته باشند، تأیید کردند.

تعامل بین ابعاد داوطلبانه یا اختیاری (غیر مالی) و اجباری (مالی) افشای عملکرد پایداری در

پژوهش‌هایی (بایر و همکاران، ۲۰۱۰؛ اینهورن، ۲۰۰۵؛ ورکچیا، ۲۰۰۱) با انجام تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از این پژوهش‌ها نشان دادند که افشای الزامی اثرات معنی‌داری بر راهبردهای افشای داوطلبانه داشته و بیان کردند که ارزش الزامات افشای اجباری نمی‌تواند بدون درک این‌که افشای اختیاری ممکن است علاوه بر افشای اجباری ایجاد شوند، به‌طور مناسبی مورد ارزیابی قرار گیرد. چندین مطالعه پیشنهاد کردند که شرکت‌ها با اطلاعات خوب و منصفانه‌ی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی، کامل‌ترین افشایات را ایجاد نموده‌اند و بنابراین افشای داوطلبانه و اختیاری چنین اطلاعاتی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و اجتناب از گزینش نامطلوب است (التوایجری و همکاران، ۲۰۰۴؛ کلارکسن و همکاران، ۲۰۱۱؛ ورکچیا، ۲۰۰۱). سایر مطالعات (ببینگتون و لاریناگا، ۲۰۱۴؛ کونترافاتو، ۲۰۱۴؛ گرای، ۲۰۱۰؛ هوپ‌وود، ۲۰۰۹) بر اهمیت حسابداری، گزارش‌گری و اطمینان‌بخشی اطلاعات پایداری تأکید نموده‌اند. سل‌مایر و همکاران (۲۰۱۵) یک مدل تجاری برای تعامل عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی با ذی‌نفعان را پیشنهاد نمودند. روی هم‌رفته، یافته‌های پژوهش‌های پیشین که خلاصه شده است پشتیبانی‌کننده‌ی شواهدی از ارتباط بین ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و اثرات یکپارچه بر روی عملکرد مالی و بازار و هزینه‌ی سرمایه و ارزش شرکت است.

این مطالعه به دنبال کاهش چالش‌های بین ابعاد مالی و غیرمالی مقیاس‌های عملکرد پایداری در ارزش‌آفرینی سهام‌دار با ارایه‌ی یک چارچوب تئوریک پیوسته است که شامل هر دو اثرات جانبی مثبت و منفی پایداری است. پایداری شرکتی تلاش‌های پیوسته‌ای با مدیریت و تغییرات در فرهنگ شرکتی و ذهنیت مدیریتی از تمرکز بر پیروزی قابل ملاحظه‌ی سریع در کوتاه‌مدت تا دستاوردهای بلندمدت و عملکرد غیرمالی و مالی پایدار را می‌طلبد. با عنایت به توجه روزافزون به پایداری شرکتی و نتایج تجربی از

ارتباط احتمالی بین ابعاد مالی و غیرمالی عملکرد پایداری، این مقاله چارچوبی را توسعه می‌دهد که ارایه‌کننده‌ی مبانی پیوسته و جامع برای عملکرد پایداری تجاری و گزارش‌گری می‌باشد. چارچوب پیشنهادی شامل تئوری‌های پایداری، عملکرد مستمر، ارزش سهام و گزارش‌گری پایداری و اطمینان‌بخشی است. برخی پژوهش‌های صورت پذیرفته نیز به شرح زیر ارایه می‌شود:

برادفورد و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به مطالعه‌ی گزارش‌گری پایداری شرکتی و نگرانی‌ذی‌نفعان پرداختند. تعداد شرکت‌هایی که در دهه‌ی اخیر اقدام به گزارش‌گری فعالیت‌های مربوط به پایداری شرکتی کرده‌اند، به‌طور معنی‌داری افزایش یافته است. در نتیجه تغییر و وسیع در نوع فعالیت‌های مربوط به گزارش‌گری و شیوه‌های ارایه‌ی اطلاعات صورت گرفته است. یک سوال بدون پاسخ درباره‌ی اطلاعات گزارش شده توسط شرکت‌ها تمایل بحث برانگیز یکی از گروه‌های اصلی ذی‌نفعان یعنی مشتریان، بر اساس چارچوب سازمان گزارش‌جهانی است. مطالعه‌ی فوق در جستجوی پر کردن خلأ دانش از طریق محتوای گزارش‌های پایداری شرکتی با نتایج حاصل از نظرسنجی گسترده ذی‌نفعان مصرف‌کننده می‌باشد. انجام تحلیل عاملی ارزیابی ذی‌نفعان بر اهمیت فعالیت‌های پایداری شرکتی، حاکی از این است که ذی‌نفعان (مصرف‌کنندگان) ابعاد متفاوتی را نسبت به چارچوب سازمان گزارش‌جهانی مشاهده می‌کنند، بنابراین منجر به قطع ارتباط بین گزارش‌گری پایداری شرکتی و دیدگاه‌ها و علایق ذی‌نفعان می‌شود. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که مخاطره و انطباق، بعد مورد علاقه‌ی مشتریان است در حالی که بعد اقتصادی سازمان گزارش‌جهانی از اهمیت برخوردار نیست. مزاد بر این، بعد جدیدی با عنوان عدالت اجتماعی برای ذی‌نفعان مصرف‌کننده اهمیت خاصی پیدا کرده است. هم‌چنین مطالعه‌ی فوق فعالیت‌های خاصی را حول هر عاملی که از اهمیت خاصی برای گروه ذی‌نفعان مصرف‌کننده برخوردار است، نمایان می‌کند. این پژوهش در راستای

تهیه‌ی گزارش‌های مربوط به پایداری و بر اساس چارچوب سازمان گزارش‌جهانی صورت گرفته که رهنمودهایی را برای گزارش‌گری پایداری ایجاد می‌کند. دایتیلو و لایسی (۲۰۱۶) به بررسی پایداری یکپارچگی سیستم‌های کنترل داخلی مربوط بودن گرایش پایداری پرداختند. هدف این پژوهش پر کردن خلأ موجود و توضیح این که چرا و چگونه ساز و کارهای کنترل پایداری در ارتباط با سازمان‌دهی‌های پایداری شرکتی متفاوت است. به‌طور خاص، در این پژوهش به بررسی این که چطور یکپارچه کردن سیستم‌های کنترل پایداری با سیستم‌های مدیریتی سنتی تحت‌تأثیر گرایش پایداری مدیریتی قرار می‌گیرد، پرداخته شده است. یافته‌های تجربی حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که ماهیت گرایش پایداری شرکتی بیان‌گر کلید اصلی در توضیح تغییرات در یکپارچه کردن سیستم‌های کنترل پایداری است؛ و این که این یکپارچگی توسط سایر عوامل و پتانسیل‌ها تسهیل می‌شود و محیط مساعدی را برای پشتیبانی از سازمان‌دهی‌های پایداری خلق می‌کند. نگرش‌ها در مورد پیچیدگی‌ها و پیامدهای ناکارآمد بالقوه در فرآیند یکپارچگی پیشنهاد شده است. خان و همکاران (۲۰۱۶) به مطالعه شواهدی نخستین در ماهیت پایداری شرکتی پرداختند. با استفاده از طبقه‌بندی‌های جدید در رابطه با مباحث و موضوع‌های پایداری، اقدام به ارایه‌ی پایگاه داده‌ی بدیع با طرح و برنامه‌های در راستای طبقه‌بندی سرمایه‌گذاری‌های پایداری به‌عنوان چارچوب و اصولی برای هر صنعت در رتبه‌بندی پایداری خاص شرکتی شد که شرایطی را برای ارایه‌ی شواهدی جدید در راستای ارزش‌گذاری سرمایه‌گذاری‌های پایداری فراهم کرد. با استفاده از رگرسیون الگوی داده‌های تابلویی یافته‌های پژوهش حاکی از عملکرد بهتر شرکت‌های با رتبه‌بندی خوب در زمینه‌ی پایداری شرکتی نسبت به شرکت‌های با رتبه‌بندی ضعیف است. در مقابل شرکت‌های با رتبه‌بندی خوب نسبت به شرکت‌های با رتبه‌بندی ضعیف در رابطه با مسایل مربوط به پایداری جزئی عملکرد بهتری ندارند. یافته‌های فوق با تجزیه و

پرسشنامه و تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر در چارچوبی جامع ارائه نموده و همچنین وضعیت موجود و سطح افشای معیارهای مسئولیت اجتماعی و پایداری را از طریق تحلیل محتوای گزارش‌های هیأت مدیره‌ی شرکت‌های بورسی مورد ارزیابی و تحلیل قرار داده است. معیارهای مطلوب برآزش مدل ساختاری، بیان‌گر معناداری و تبیین و توجیه مناسب کلیدی مولفه‌ها و شاخص‌ها برای افشای ابعاد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است. یافته‌های تحلیل محتوا نشان داده است که از ۶۰ معیار سنجش شده به‌طور متوسط حدود ۴۵ معیار یعنی ۷۵ درصد از آن‌ها در گزارش‌های سالیانه‌ی فعالیت هیأت مدیره‌ی شرکت‌های بورسی افشا نمی‌شود. از این‌رو سطح پایین افشای ابعاد مسئولیت اجتماعی در شرکت‌های بورسی بیان‌گر خلأ وضعیت موجود از انتظارات ذی‌نفعان است. فلذا تدوین الزام‌ها و استانداردهای مناسب برای گزارش‌گری و افشای این معیارها در گزارش‌گری سالیانه‌ی شرکت‌ها برای پاسخ‌گویی به انتظارات ذی‌نفعان در بازار سرمایه‌ی ایران ضروری است.

۳- ابعاد پایداری شرکتی

ارس و کراودر (۲۰۰۸)، بام‌گارتنر و اینر (۲۰۱۰)، اشنایدر و مینز (۲۰۱۲) و لوزانو و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش‌های خود ابعاد ارزیابی پایداری شرکت را در دو بخش و در مجموع چهار بعد طبقه‌بندی کرده‌اند: طبقه‌ی نخست شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی که بیش‌تر بر زمان حال تمرکز دارد؛ طبقه‌ی دوم شامل ابعاد حاکمیتی مانند راهبردها که بیش‌تر بر زمان آتی تمرکز و توجه دارد و در سال‌های اخیر به ابعاد پایداری افزوده شده است و همچنین سازمان فائو (۲۰۱۳) نیز چهار بعد تاب‌آوری اقتصادی، رفاه اجتماعی، یکپارچگی محیطی و حاکمیتی منطقی و خوب را به‌عنوان ابعاد پایداری شرکتی پیشنهاد کرده است. با توجه به پژوهش‌های فوق پایداری شرکتی را می‌توان به چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و حاکمیتی تقسیم‌بندی کرد (تفرشی و همکاران، ۱۳۹۶).

تحلیل تغییرات آتی در عملکرد حسابداری تأیید می‌شود. یافته‌های حاصل از پژوهش دلالت بر مدیرانی که متعهد به یکپارچه کردن عوامل و فاکتورهای پایداری در اتخاذ تصمیم‌های مربوط به تخصیص سرمایه هستند، دارد.

مرادی و سپهوندی (۱۳۹۴) در پژوهشی تأثیر راهبردهای رقابتی بر پایداری عملکرد مالی و مخاطره را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. امروزه رقابت موجود در بازارها با گستردگی بیشتری نسبت به گذشته همراه است. بسیاری از شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا با تدوین راهبردهای رقابتی مناسب، مزیت رقابتی را به‌دست آورند و با افزایش میزان رقابت‌پذیری محصولات خود، زمینه‌ی رشد و پیشرفت شرکت را فراهم سازند. ارزش‌آفرینی برای مشتریان در راستای دستیابی به مزیت رقابتی، ارتباطی نزدیک با انتخاب مناسب و منطقی راهبرد توسط شرکت دارد. در این پژوهش تأثیر راهبردهای رقابتی، بر پایداری عملکرد مالی و مخاطره در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. برای آزمون روابط مذکور اطلاعات ۴۲۴ سال شرکت شامل ۱۳۰ شرکت طی سال‌های ۱۳۹۲ - ۱۳۸۶ مورد استفاده قرار گرفته است. برای اندازه‌گیری راهبردهای رقابتی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره و ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هر چند به‌کارگیری راهبرد تمایز نسبت به راهبرد مدیریت هزینه منتهی به عملکرد پایداری می‌شود، اما راهبرد تمایز ممکن است با مخاطره بیشتری همراه باشد. حساس‌یگانه و برزگر (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی مدلی برای افشای مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. پژوهش فوق ابعاد، مولفه‌ها و معیارهای افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را با مطالعه‌ی استانداردها و رهنمودهای شناخته شده‌ی بین‌المللی و منطقه‌ای و از طریق

الف - بعد اقتصادی

گارسیا و همکاران (۲۰۱۶) بعد اقتصادی را مرتبط با مفهوم خط سه‌گانه‌ی پایین معرفی می‌کند. اوه‌جی (۲۰۱۱) و دوسکالوا، کوک‌مانووا (۲۰۱۶) در بررسی‌های خود بیان کردند که بعد اقتصادی در تئوری پایداری شرکتی اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌عنوان نمونه عدم پرداخت مالیات در شرکت ممکن است تداوم فعالیت‌های شرکت را متوقف کند. چو و چن (۲۰۱۱) و فائو (۲۰۱۳) ضمن اشاره به بعد اقتصادی و اهمیت آن در پایداری شرکتی در توسعه‌ی این بعد شاخص‌های کاهش مخاطرات تجارت و طراحی ساختار متنوع درآمدی برای شرکت و سهام‌داران را پیشنهاد کرده‌اند. در ادامه ۱۶ مولفه‌ی اقتصادی به این شرح است: سود مناسب به سهام‌داران، فروش محصولات ضایعاتی، کاهش هزینه‌های ورودی، شرایط خوب اقتصادی، کاهش هزینه مدیریت مواد زائد، تعامل رسمی و مستمر با دولت، بازاریابی زیست محیطی، مالیات و هزینه‌های اجتماعی، عملکرد اقتصادی شرکت، خلق ارزش و حذف اتلاف‌ها، نوآوری، سرمایه‌گذاری، هشدار کمیت و کیفیت تولید، هشدار در مواقع کمبود تأمین، ساختار متنوع درآمد، کاهش مخاطره مالی.

ب - بعد اجتماعی

براردی (۲۰۱۵) در پژوهش خود بُعد اجتماعی را در پایداری شرکتی را از منظر تئوریک معرفی کرده‌اند. تحقق بُعد اجتماعی برای تداوم پایداری بسیار پر اهمیت است. در همین خصوص، اوون و همکاران (۲۰۰۰) و چو و چن (۲۰۱۱) در پژوهش خود نشان دادند توجه به ممیزی‌های اجتماعی شامل بررسی مداوم نرخ تأخیر، غیبت، بیماری و هم‌چنین تعارضات کارکنان می‌تواند پایداری شرکت را به چالش بکشد. در ادامه هشت مولفه‌ی اجتماعی به این شرح است: فعالیت‌های عام المنفعه اجتماعی، ایجاد و حفظ اشتغال، منافع سهام‌داران در سرمایه‌گذاری، اطلاع‌رسانی زیست محیطی به مردم، حقوق مردم و همسایگان محلی، بهبود سلامت و ایمنی کارکنان،

مسئولیت‌های اجتماعی محصولات، ممیزی اجتماعی (غیبت کارکنان).

پ - بعد زیست محیطی

بُعد زیست محیطی در پایداری شرکتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌طوری‌که پژوهش‌گرانی هم‌چون بوتلین (۱۹۸۹)، وادووک و گراوس (۱۹۹۷)، ال‌کینگ‌تون (۱۹۹۸) و مبدأ مفهوم زیست محیطی را به بیانیه‌ی سال ۱۹۸۷ سازمان ملل متحد و نگرانی‌های زیست محیطی، گرم شدن زمین به‌واسطه‌ی گازهای آلاینده و تغییرات آب و هوایی مرتبط می‌دانند. شاخص کاهش مصرف انرژی از شاخص‌های مهمی است که می‌تواند به تقویت بُعد زیست محیطی منجر شود. با کاهش مصرف انرژی در شرکت‌ها مصرف انرژی علاوه‌بر کاهش هزینه‌های شرکت، از میزان گازهای آلاینده محیط نیز می‌کاهد. در ادامه ده مولفه‌ی زیست محیطی به این شرح است: کاهش ضایعات و گازهای آلاینده، کاهش اثرات انرژی، کاهش اثرات محیطی محصولات، کاهش اثرات محیطی با مشارکت، کاهش خرید مواد غیرقابل تجدید، جایگزینی سوخت‌های سنتی، اقدام جهت ترمیم محیطی زیست، ممیزی محیط زیست، اطلاع‌رسانی، سیاست کاهش مصرف منابع، بسته‌بندی زیست محیطی.

ت - بعد حاکمیتی

ریشه‌های تئوریک، بُعد حاکمیتی در پایداری شرکتی به مطالعات ارس و کراودر (۲۰۰۸)، بام‌گارتنر و ابتر (۲۰۱۰)، اشنایدر و مینز (۲۰۱۲)، فائو (۲۰۱۳) و لوزانو و همکاران (۲۰۱۴) باز می‌گردد. سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بیشتر بر زمان حال تمرکز داشته، و لیکن در خصوص فعالیت‌های آتی پایداری، به زمان آینده توجه نشده است، مانند: راهبردی‌ها، برنامه‌ها و اقدامات آتی در سازمان. در ادامه نه مولفه‌ی حاکمیتی به این شرح است: درج مأموریت در کلیه گزارش‌ها، درج بیانیه‌ی شرکت شما در قالب کدها، ساختار بین‌المللی گزارش پایداری،

بایستی بر روی ارزش‌آفرینی ذی‌نفع و ترک کردن تصمیمات در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی سهام‌داران آن‌ها تمرکز نمایند.

ب- تئوری ذی‌نفعان

یک گروه از رویکردهای تئوریک (اخلاقی و مدیریتی) تحت عنوان تئوری ذی‌نفعان توسط آنسوف در سال ۱۹۶۵ و سپس در قلمرو پاسخ‌گویی زیست‌محیطی و اجتماعی توسط فری‌من و اولمان در سال ۱۹۸۵ شکل گرفت و توسط پژوهش‌گران فعلی تا به امروز حفظ و تقویت شده است. این تئوری، تشکیل مسئولیت‌های اجتماعی را در چارچوب برنامه‌ی شرکت، تلاش برای توسعه‌ی راهبردهایی منعکس می‌کند که به تأیید ذی‌نفعان کلیدی سازمان برسد و همچنین یک توضیح بالقوه‌ی افشای زیست‌محیطی و اجتماعی را در پاسخ‌گویی شرکت به تقاضای ذی‌نفعان، جهت‌گیری راهبرد شرکت به سوی مسئولیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی و تبادل بین اهداف اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی شرکت فراهم می‌کند (دیگن و همکاران، ۲۰۰۲).

اسلام و دیگان (۲۰۰۸) کارکردهای گزارش زیست‌محیطی و اجتماعی را بررسی و گزارش کردند که افشای سازمان‌ها با توجه به انتظارات ذی‌نفعان قدرتمند آن‌ها تغییر یافت. در مطالعه‌ی واکنش ذی‌نفعان، نتایج از این ادعا حمایت کرد که کارکردهای معمول گزارش زیست‌محیطی و اجتماعی می‌تواند با نیازهای متنوع ذی‌نفعان مختلف تطبیق یابد (الای‌جای‌دو تن و همکاران، ۲۰۱۰). ذی‌نفعان می‌توانند به داشتن ارتباطات ضعیف تا قوی با سازمان طبقه‌بندی شوند و پاسخ‌گویی باید نسبت به این ارتباطات درک شده از طیف حداقل پاسخ‌گویی تا حداکثر پاسخ‌گویی باشد (کالر، ۲۰۰۳). بیشتر گروه‌های ذی‌نفع که تمایل دارند محرک مالی یا تجاری باشند در مطالعات تجربی شناسایی شدند. برای مثال هوانگ و کونگ بر عرضه‌کنندگان، مشتریان، وام‌دهندگان، رقبا و سرمایه‌گذاران تمرکز کردند (هوانگ و کونگ، ۲۰۱۰). تئوری ذی‌نفعان به‌طور سیستماتیک در جستجوی شناسایی گروه‌هایی

امکان گزارش‌گیری سیاست‌ها، تعامل رسمی و مدون با ذی‌نفعان، تعامل با ذی‌نفعانی که در اقلیت هستند، حل و فصل تعارضات محتمل، پاسخ به قوانین داخلی و بین‌المللی، ساختار مدیریت پایداری.

۴- تئوری‌های پایداری

رضایی (۲۰۱۶) چندین تئوری شامل نمایندگی / سهام‌دار، ذی‌نفع، علامت‌دهی / افشا، تئوری سازمانی، مشروعیت و نظارت یا وکیل‌خرجی مرتبط با پایداری شرکتی را مورد بحث قرار داد. این تئوری‌ها فراهم‌کننده‌ی چارچوبی تئوریک برای تحلیل ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و تأثیرات مستمر آن‌ها در خلق ارزش سهام برای کلیه ذی‌نفعان است.

الف- تئوری نمایندگی / سهام‌دار

تئوری نمایندگی / سهام‌دار بر روی اشتراک مخاطره‌پذیری و مشکلات نمایندگی بین ذی‌نفعان و مدیریت با پیشنهاد این‌که منافع مالکان و مدیران اغلب همسو نیستند، متمرکز است (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). در مبحث تئوری نمایندگی، مخاطرات اخلاقی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی رخ می‌دهد و در جایی‌که مدیران برای مالکان فعالیت نماید در مقایسه با حالتی که عدم نظارت مناسب از سوی مالکان بر مدیران وجود دارد، اطلاعات بیشتری در مورد فعالیت‌ها و یا اهداف دارد. پیامدهای تئوری ذی‌نفعان برای عملکرد پایداری این است که انگیزه‌های مدیریتی و فعالیت‌ها اغلب بر روی اهداف زود بازده متمرکز می‌شوند که به‌طور عادی مرتبط با پاداش بوده و از دستیابی به کارایی پایدار و بلندمدت برای سهام‌داران می‌کاهد. تحت این تئوری، فعالیت‌های غیرمالی پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (به ویژه هزینه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی) به‌طور خاص به‌عنوان تخصیص منابع شرکتی در پیگیری فعالیت‌ها مورد مشاهده قرار می‌گیرد که به نفع سهام‌داران نیستند، اگرچه آن‌ها ممکن است برای سایر سهام‌داران ارزش‌آفرینی نمایند. بنابراین شرکت‌ها

حاکمیتی در عملکرد پایداری و واکنش سرمایه‌گذاران به افشای اطلاعات عملکرد پایداری توضیح دهد (گرینبلات و هوآنگ، ۱۹۸۹). تئوری علامت‌دهی نشان می‌دهد که شرکت‌ها اخبار خوب را از طریق استفاده از گزارش‌گری الزامی مالی مختلف در مورد عملکرد پایداری اقتصادی خود و گزارش‌گری داوطلبانه‌ی ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی افشا می‌کنند تا از شرکت‌های با پایداری کمتر متمایز گردند. هیلی و پاله‌پو (۲۰۰۱) پیشنهاد می‌کنند که گزارش‌گری داوطلبانه‌ی شرکت‌ها ممکن است به عنوان مکمل برای ارایه‌ی اطلاعات در مورد عملکرد مالی آتی مورد انتظار عمل کنند. در عوض، این ساز و کارهای علامت‌دهی می‌تواند جایگزین باشد، که نشان دهنده‌ی ارتباطی منفی بین احتمال افشای داوطلبانه و کاربرد این علامت‌دهی‌ها می‌باشند (گرینبلات و هوآنگ، ۱۹۸۹). تئوری علامت‌دهی سازمان‌های تجاری را تشویق و ترغیب می‌کند تا با کلیه‌ی ذی‌نفعان (از جمله شرکای زنجیره‌ی تامین) در ارتباط با هم‌افزایی، یکپارچگی و وابستگی منابع مولفه‌های مختلف مدیریت زنجیره‌ی تامین ارتباط برقرار کنند و علامتی واحد برای دستیابی به ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و غیرمالی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ارسال نمایند (کونه‌لی و همکاران، ۲۰۱۱، دانیلی و همکاران، ۲۰۱۳).

ث- تئوری سازمانی

مقاله‌ای که توسط مایر و روان (۱۹۷۷) منتشر شد، مبنایی برای استفاده از تئوری سازمانی در سیاست‌های شخصی (ادلمن، ۱۹۹۲، تولبرت و زوکر، ۱۹۸۳)، در سیاست‌های دولتی داخلی و بین‌المللی (استرنگ، ۱۹۹۰) و در توسعه‌ی مأموریت‌های سازمانی و ساختارها بود (دی‌ماگیو، ۱۹۹۱، فلیگستین، ۱۹۸۵). تئوری سازمانی بر نقش تأثیرات هنجاری (دستوری) در فرایندهای تصمیم‌گیری که بر ساختار سازمانی تأثیر می‌گذارد تمرکز نموده و چارچوبی ساختاری را ارایه می‌دهد که می‌تواند در رسیدگی به بسیاری از مسائل، شرایط و چالش‌هایی

از ذی‌نفعان است که مستحق بیشترین توجه از سوی مدیران هستند. با توجه به این‌که عملکرد مالی شرکت تا حدودی در ارتباط با عملکرد زیست محیطی آن می‌باشد، ذی‌نفعان توجه زیادی به موضوعات زیست محیطی در یک شرکت دارند. سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی به منظور ارزیابی عملکرد کلی و برآوردهای مخاطرات زیست محیطی، دولت‌ها جهت اجرای قوانین زیست محیطی و مشتریان به منظور حفاظت از حقوق‌شان به اطلاعات زیست محیطی نیاز دارند (علی‌خانی و مران‌جوری، ۱۳۹۳).

پ- تئوری مشروعیت

خاستگاه تئوری مشروعیت، پارادایم اقتصاد سیاسی است و متمرکز بر این فرض است که سازمان بایستی نقش اجتماعی‌اش را از طریق پاسخ به نیازهای جامعه و برآوردن آنچه جامعه طلب می‌کند، حفظ کند. بر طبق این تئوری بقای یک سازمان به‌وسیله‌ی فشارهای بازار و توقعات جامعه پایدار است و از این‌رو فهم نگرانی‌های وسیع‌تر جامعه، توقعات جامعه را بیان می‌کند (آزیزول، ۲۰۰۹). تئوری مشروعیت نشان می‌دهد که ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی برای کلیه‌ی ذی‌نفعان، از جمله مشتریان، جامعه و محیط زیست مطلوب است. این نظریه هم‌چنین پیشنهاد می‌کند که عدم انطباق با هنجارهای اجتماعی و الزامات زیست محیطی، مشروعیت سازمانی و پایداری مالی را تهدید می‌کند و بنابراین سازمان‌ها از افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی برای برآورده کردن نیازهای جامعه استفاده می‌کنند (تایلینگ، ۲۰۰۴).

تئوری مشروعیت در تثبیت اعتبارات شرکت‌ها مهم است و بنابراین محصولات و خدمات آن‌ها باید مطلوب، مناسب و با کیفیت در هنجارها و ارزش‌های اجتماعی باشد و باید به‌جای آسیب رساندن به محیط و جامعه، سود اعطا نمایند (ساچمن، ۱۹۹۵).

ت- تئوری علامت‌دهی

تئوری علامت‌دهی کمک می‌کند تا انگیزه‌های مدیریتی را برای دستیابی به ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و غیرمالی محیطی، اجتماعی و

سهام برای کلیه‌ی ذی‌نفعان تلاش کند. تئوری نظارت به توضیح این مورد کمک می‌کند که چگونه سازمان‌های تجاری به‌عنوان ناظران در خلق ارزش سهام با کمک به ثروت‌آفرینی برای سهام‌داران و نیز کمک به آرامش و رفاه مشتریان، کارکنان، جامعه و محیط زیست مسئولیت دارند. تئوری نظارت بر پایداری سازمانی قابل اجرا و پیاده‌سازی است، زیرا تصمیمات و اقدامات راهبردی مدیریت را به‌عنوان رفتارهایی مطرح و معرفی می‌کند که به هدف پایه‌ای مشترک می‌پردازند که منافع اجتماعی را برای مصالح جمعی در بلندمدت فراهم می‌کند (هرناندز ۲۰۱۲).

به طور خلاصه، تئوری ذی‌نفعان به نظر می‌رسد تئوری غالب در مورد پایداری شرکت‌ها است که توسط فری من (۱۹۸۴) پیشنهاد شده است. میچل و همکاران (۱۹۹۷) یک تئوری هنجاری (دستوری) در خصوص شناسایی ذی‌نفعان را توضیح می‌دهد و تشریح می‌کند که چرا مدیریت ممکن است گروه‌های خاص (مثلاً مالکین، غیر مالکان) را به‌عنوان ذی‌نفعان شرکت در نظر بگیرد و یک تئوری توصیفی از اهمیت ذی‌نفعان و شرایطی که مدیریت ممکن است گروه‌های ویژه را به‌عنوان ذی‌نفعان تشخیص دهد، توصیف می‌کند. یکی از تعاریف غالب و گسترده‌ای از یک ذینفع توسط فری من (۱۹۸۴) ارائه شده است به این صورت که: هر گروه یا فردی که می‌تواند بر اهداف سازمان موثر باشد یا تحت تأثیر قرار گیرد. در زمینه‌ی پایداری شرکت‌ها، ذی‌نفعان را می‌توان به‌عنوان ذی‌نفعان داخلی طبقه‌بندی کرد که دارای منافع مستقیم (سهام) هستند و مخاطرات مربوط به فعالیت‌های تجاری و سایر ذی‌نفعان خارجی را تحت پوشش قرار می‌دهند. تمام تئوری‌های مورد بحث در بالا مربوط به پایداری شرکت‌ها هستند و شرکت‌ها باید از یک یا چند (به عنوان یک تئوری یکپارچه) تئوری استفاده کنند که می‌تواند شامل توجه به مأموریت، راهبرد، مدل تجارت و فرآیندهای گزارش‌گری‌شان باشد. این نتیجه منجر به توسعه گزاره‌های زیر مربوط با ادغام تئوری پایداری می‌شود.

که ساختار را به نهادینه‌سازی هدایت می‌کند مفید باشد. این مسأله بر جنبه‌های اجتماعی تمرکز می‌کند، شرایطی که در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری در مورد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی یا نوآوری‌های زیست محیطی ایجاد می‌شود، و تأثیرات احتمالی آن‌ها بر محیط زیست و جامعه می‌باشد. تئوری سازمانی، یک شرکت را به مثابه‌ی شکلی سازمان‌یافته از افراد و گروه‌های متنوع با منافع هم‌سو، ساز و کارهای حاکمیتی، ارزش‌ها، قوانین و شیوه‌هایی در نظر می‌گیرد که می‌تواند نهادینه شود. جینینگز و زاندرگن (۱۹۹۵) بیان می‌کنند که تئوری سازمانی کمک می‌کند به درک این که چگونه بر اساس معیار پایداری، هماهنگی ایجاد می‌شود و چگونه مفاهیم یا شیوه‌های مرتبط با پایداری در بین سازمان‌ها گسترش یافته و تعمیم می‌یابد. تئوری سازمانی اساساً بر عقلانیت، مشروعیت، کاربرد، و جنبه‌های ساختار اجتماعی و فرآیندهای مرتبط در ایجاد رهنمودها و بهترین شیوه‌ها در مطابقت با قوانین، قواعد، استانداردها و هنجارها (دستورها) تمرکز دارد. تئوری سازمانی عمل‌گرا و واقع‌بین، پایداری تجاری را با نگاه به شرکت، به مثابه‌ی موسسه‌ای برای خدمت به نیازهای انسانی و حفاظت از کلیه‌ی منافع مربوطه ارتقا می‌بخشد (روبرتز، ۲۰۰۴).

ج- تئوری نظارت (وکیل خرجی)

خاستگاه تئوری نظارت به جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بر می‌گردد و به مدیریت به‌عنوان ناظر کلیه‌ی دارایی‌ها و سرمایه‌های شرکت در حفظ منافع کلیه‌ی ذی‌نفعان می‌نگرد. هرناندز (۲۰۰۸) بیان می‌کند که تئوری نظارت، بهترین منافع درازمدت یک گروه را پیش از اهداف شخصی که به منافع فردی منجر می‌شود، ارتقا می‌دهد. تئوری نظارتی که توسط هرناندز (۲۰۱۲) تعریف شده برای پایداری شرکت‌های در حال ظهوری است که در آن مدیریت، مسئول است و باید برای حفاظت از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشهود و نامشهود پاسخ‌گو باشد و نیز به‌طور موثر و کارآمد با استفاده از تمام سرمایه‌های مالی، انسانی، فکری، اجتماعی و محیطی شرکتی در خلق ارزش

مدیران دارایی، تحلیل‌گران سهام و حتی سهام‌داران انگیزه دارند و بنابراین رفتارهای آن‌ها بر مبنای عملکرد کوتاه‌مدت می‌باشد (کمیت‌های توسعه‌ی اقتصادی، ۲۰۰۷؛ کاپی.ام.جی، ۲۰۱۳). این رفتار کوتاه‌مدت در تقابل با دیدگاه بلندمدت پایداری تجاری است.

بنابراین، اهداف شرکت‌ها از حداکثر رساندن سود افزایش ثروت سهام‌داران به خلق ارزش برای کلیه‌ی ذی‌نفعان تغییر یافته است که منتج به گزاره‌ی زیر می‌شود:

گزاره‌ی ۲ الف: خلق ارزش سهام مهم‌ترین هدف اصلی کسب و کار در ارزش‌آفرینی سهام‌دار از طریق عملکرد پایداری اقتصادی است در حالی که حفظ منافع سایر ذی‌نفعان از طریق عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در به حداکثر رساندن (به حداقل رساندن) اثرات مثبت (منفی) بر جامعه و محیط زیست (اجرای حقوق بشر و تغییرات آب و هوایی) است.

درک تئوریک برای ارتباط بالقوه بین عملکرد مالی کوتاه‌مدت در راستای ارزش‌آفرینی سهام‌داران و عملکرد پایداری درازمدت خلق ارزش سهام برای کلیه‌ی ذی‌نفعان از تئوری جنسن "به حداکثر رساندن ارزش" پیروی می‌کند (جنسن، ۲۰۰۱). حداکثرسازی ارزش نشان می‌دهد که در حالی که هدف اصلی هر سازمان تجاری، به حداکثر رساندن ارزش شرکت است، باید بین عملکرد پایداری اقتصادی و سایر ابعاد عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی توازن و تعادل منطقی وجود داشته باشد. مفهوم حداکثرسازی ارزش از عملکرد پایداری با شواهد اخیر تأیید شده است که پیشنهاد می‌کند که شرکت‌هایی که به پایداری به‌عنوان ضرورت و فرصت می‌نگرند، و مدل‌های کسب و کار خود را در واکنش به شرایط مختلف تغییر می‌دهند، به موفقیت نایل می‌شوند (کایرون و همکاران، ۲۰۱۳).

ظهور پایداری سازمانی، هر دو فرصت را برای مشارکت شرکت‌ها در خلق ارزش و فراتر از نیازهای اقتصادی برای بهبود مشخصات شرکت‌های محیطی،

گزاره‌ی ۱ الف: ترکیبی از تئوری‌های فوق، در ارزیابی یک چارچوب نظری برای درک بهتر از پایداری شرکت‌های در حال ظهور، بیشتر مرتبط و مناسب است.

گزاره‌ی ۱ ب: تئوری‌های ذی‌نفعان و نظارت بر ارزش‌های اصلی با پایداری شرکتی، با توجه به راهبردهای نظارت بر مدیریت و شیوه‌هایی که باعث بهبود مستمر عملکرد و خلق ارزش سهام برای کلیه‌ی ذی‌نفعان می‌شود، ارزش‌های اصلی را با پایداری شرکتی به اشتراک می‌گذارد.

گزاره‌ی ۱ پ: مدیریت با تمرکز بر روند پایداری به احتمال زیاد ترکیبی از این تئوری‌ها را با راهبردهای پایداری یکپارچه می‌کند که با کسب و کار اصلی شرکت برای بهبود مستمر عملکرد و خلق ارزش سهام، هماهنگ است.

۵- خلق ارزش سهام

شرکت‌های دولتی برای اولویت تمرکز بر حداکثرسازی سود و در نتیجه ارزش‌آفرینی برای سهام‌داران با توجه به تأثیرات عملیات‌های‌شان بر جامعه و محیط زیست مورد انتقاد قرار می‌گیرند (پورتر و کرامر، ۲۰۱۱). تئوری‌ها و شیوه‌های مدیریت اغلب از رفتار کوتاه‌مدت مدیریت نشأت می‌گیرند و به‌طور معمول به دنبال حل و فصل عدم اطمینان و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در دست‌یابی به خلق ارزش شرکت هستند (رضایی، ۲۰۱۵). دو معیار ارزش شرکت، یعنی ارزش اقتصادی و ارزش بازار، ممکن است متفاوت باشد (کمیت‌های توسعه‌ی اقتصادی^{۱۱}، ۲۰۰۷). این واگرایی می‌تواند ناشی از عوامل بسیاری باشد، از جمله کیفیت و کمیت سودها و سایر ابعاد اطلاعات مالی و غیر مالی که به بازار عرضه می‌شود. سرمایه‌گذاران ممکن است سهام را بر اساس انتظارات در مورد رشد سودهای آتی و عملکرد شرکت معامله کنند و به شدت بر مبنای ملاحظات کوتاه‌مدت از اهداف سودهای فصلی که ممکن است منجر به تغییرات قیمت سهام، مستقل از تغییرات در وضعیت واقعی شرکت و عملکرد بلندمدت آن گردند. مدیریت،

اقتصادی با توجه به دستیابی به ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی به‌عنوان مجموعه‌ای از محدودیت‌های اعمال شده بر هدف می‌باشد. معیارهای عملکرد پایداری باید نشأت گرفته از عوامل داخلی راهبردی، ویژگی‌های ریسک، نقاط قوت و ضعف و فرهنگ سازمانی به‌علاوه، عوامل خارجی نام و نشان، فن‌آوری، رقابت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، جهانی‌سازی و بهره‌برداری از منابع طبیعی باشد. یکپارچگی ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در شالوده‌ی سازمانی، مدل کسب و کار و فرآیندهای مدیریت، شرکت‌ها را قادر می‌سازد منابع کمیاب را حفظ کنند، فرآیندهای تولید را بهینه‌سازی کنند، نوآوری در محصول را شناسایی نموده، به هزینه و کارایی دستیابی داشته باشند و سبب افزایش بهره‌وری و شهرت و اعتبار سازمانی گردند.

الف - عملکرد پایداری اقتصادی

عملکرد پایداری اقتصادی بیان‌گر سودآوری بلندمدت و پایداری مالی شرکت است که از لحاظ اثربخشی عملیاتی، کارایی، بهره‌وری، سودها، بازده سرمایه‌گذاری و ارزش بازار اندازه‌گیری می‌شود. عملکرد پایداری اقتصادی در مجموعه‌ای از گزارش‌های مالی ارایه شده است که سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا مخاطره و بازدهی مرتبط با سرمایه‌گذاری‌های خود را بهتر ارزیابی نمایند. عملکرد پایداری اقتصادی به‌عنوان فعالیت دارای ارزش‌افزوده و ضروری در نظر گرفته می‌شود که میزان سودآوری بلندمدت و پایداری مالی مورد تقاضای سهام‌داران شرکت را تحت نظارت تئوری نمایندگی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهند. پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که عملکرد پایداری اقتصادی در ارزش‌آفرینی سهام‌دار، با بررسی ارزش مربوط بودن اطلاعات مالی و پیوند آن با قیمت‌های سهام و هزینه‌ی سرمایه، ضروری است. برای مثال، بارث و همکاران (۲۰۰۸)، براون و همکاران (۲۰۰۶)، جاین و همکاران (۲۰۱۶) و نگ و رضایی (۲۰۱۵) دریافته‌اند که شرکت‌هایی که

اجتماعی و حاکمیتی (آگوئیلرا و همکاران، ۲۰۰۷، مک‌گراث و همکاران، ۲۰۰۴) و چالش‌هایی که در تخصیص منابع کمیاب به انواع مختلف مخاطرات راهبردی، عملیاتی، مالی، برآوردی و اعتباری وجود دارد، ایجاد می‌نماید (رضایی، ۲۰۱۵). مدیریت ممکن است برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت برای ارزش‌آفرینی سهام‌دار تلاش کند (کمیت‌های توسعه‌ی اقتصادی، ۲۰۰۷؛ کاپی.ام.جی، ۲۰۱۳) در حالی که پایداری شرکت‌ها مدیریت را تشویق می‌کند تا بر روی دستیابی به ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در درازمدت تمرکز نماید (بروکت و رضایی، ۲۰۱۲، رضایی، ۲۰۱۵، نگ و رضایی، ۲۰۱۵). این احتمالات، تعارض را در موارد زیر معرفی می‌کند.

گزاره‌ی ۲ ب: شرکت‌هایی که به عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی توجه می‌کنند؛ انگیزه‌ی بیشتری برای تمرکز بر عملکرد پایداری اقتصادی در درازمدت دارند.

گزاره‌ی ۲ پ: مدیریت، با توجه به ملاحظات کوتاه‌مدت، بیشتر احتمال دارد که تأثیر منفی بر خلق ارزش سهام در درازمدت و پایدار را نادیده بگیرد و حتی موجب کاهش ارزش مورد انتظار بازدهی آتی و در نتیجه قیمت فعلی سهام شود.

گزاره‌ی ۲ ت: تثبیت مدیریت در ملاحظات کوتاه‌مدت می‌تواند به مدیریت سودهای فرصت‌طلبانه کمک کند تا این‌که بر مدیریت عملکرد پایدار موثر باشد.

گزاره‌ی ۲ ث: این که آیا مدیریت بر عملکرد پایداری اقتصادی در راستای خلق ارزش سهام‌داران یا عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی برای حفظ منافع سایر ذی‌نفعان یا هر دو، متمرکز است، یک سوال بدون پاسخ است و شواهد تجربی در این مورد متفاوت است.

۶- بهبود مستمر عملکرد پایداری

هدف کلی سازمان‌های تجاری، خلق ارزش سهام برای کلیه‌ی ذی‌نفعان با ابعاد مالی عملکرد پایداری

سرمایه را تعدیل می‌دهد و منجر به بهبود ارزش شرکت می‌شود.

عملکرد محیطی منعکس‌کننده این است که چگونه یک شرکت به‌طور موثر به چالش‌های زیست محیطی خود در ارایه‌ی محیطی بهتر برای نسل‌های آتی می‌پردازد. بلائی‌ی زیست محیطی مانند Union Carbide، Exxon و BP Deepwater Horizon

حوادث بد برای کسب و کار در برخی از صنایع (بخش‌های شیمیایی و نفت) ایجاد کرده و توجه بیشتری به طرح‌های زیست محیطی قرار داده است. عملکرد محیطی می‌تواند با کاهش احتمال وقوع نقض قوانین زیست محیطی که ممکن است پیامدهای مالی منفی را به‌همراه داشته باشد بر عملکرد اقتصادی تأثیرگذار باشد. عملکرد محیطی در راستای ایجاد یک محیط بهتر کاری و بهبود کیفیت آب و هوا و محیط اطراف آن اندازه‌گیری می‌شود. عملکرد حاکمیتی نشان‌دهنده‌ی اثربخشی معیارهای حاکمیت شرکتی در مدیریت شرکت برای دستیابی به اهداف خود در خلق ارزش سهام و حفظ منافع سایر ذی‌نفعان است. معیارهای حاکمیت شرکتی معمولاً توسط سیاست‌گذاران، قانون‌گذاران و شرکت‌ها برای ارتقای ثبات اقتصادی، اعتماد عمومی و سرمایه‌گذاران به اطلاعات مالی و بازارهای سرمایه‌ای پایه‌ریزی می‌شود. اصلاحات قانونی مانند قانون ساربینز آکسلی^{۱۲} (۲۰۰۲) و قانون داد فرانک (۲۰۱۰) برای تقویت معیارهای حاکمیت شرکتی با تعیین نقش و مسئولیت حافظان منافع شرکتی، از جمله هیأت‌مدیره، مدیریت و حسابرسان از قبل تأیید شده است.

گزاره‌های زیر در مورد ابعاد عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و یکپارچه شدن آن‌ها با عملکرد پایداری اقتصادی پیشنهاد می‌شود:

گزاره‌ی ۴ الف: مدیریت با تمرکز پایداری بیشتر به احتمال زیادی می‌تواند یک تعادل و توازن مناسب بین عملکرد پایداری اقتصادی و محیطی، اجتماعی و حاکمیتی برقرار کند.

گزاره‌ی ۴ ب: خواسته‌های سرمایه‌گذاران و الزامات قانونی برای افشای اطلاعات پایداری محیطی،

عملکرد پایداری اقتصادی بهتری دارند، عملکرد مالی و بازار پر رونق و هزینه‌ی سرمایه‌ی کم‌تری دارند. گزاره‌های زیر مربوط به عملکرد پایداری اقتصادی است که توسط پژوهش‌های پیشین پشتیبانی می‌شود: **گزاره‌ی ۳ الف:** با تمرکز بیشتر بر عملکرد پایداری اقتصادی، مدیریت به احتمال زیاد نوآوری‌های راهبردی بلندمدت را در راستای خلق ارزش سهام به‌کار می‌گیرد.

گزاره‌ی ۳ ب: مدیریت با تمرکز پایداری توجه بیشتری به عملکرد پایداری اقتصادی درازمدت نسبت به عملکرد مالی کوتاهمدت دارد.

گزاره‌ی ۳ پ: مدیریت با تمرکز پایداری به احتمال زیادی راهبردهای پایداری را که با کسب و کار اصلی شرکت هم‌سو هستند یکپارچه کرده و منجر به حداکثری عملکرد پایداری اقتصادی می‌شود.

گزاره‌ی ۳ ت: مدیریت با تمرکز پایداری به احتمال زیادی منجر به درآمد پایدار، خلق فرصت‌های کسب و کار و ارتقای نوآوری در تولید محصولات و خدمات می‌شود.

ب- عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی

ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری شامل محیط زیست، اجتماعی و حاکمیتی به همراه اخلاق که به‌طور معمول با سه معیار فوق یکپارچه می‌شود. به‌طور کلی، عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ممکن است به‌عنوان فعالیت‌های ضروری در نظر گرفته شود که احتمالاً منجر به ارزش‌آفرینی سهام‌دار شود یا نشود. اکلس و همکاران (۲۰۱۴) دریافته‌اند که شرکت‌هایی که بر عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و افشای چنین عملکردی تمرکز می‌کنند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای و به‌طور مستمر بهتر از شرکت‌های بدون تعهد به عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی هستند. نگ و رضایی (۲۰۱۵) گزارش نمودند که پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ارتباط منفی بین ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و هزینه‌ی

بر پذیرش و ادغام و یکپارچگی پایداری در مدل کسب و کار و تجارت تأثیر بگذارد.

۷- گزارش عملکرد پایداری و اطمینان بخشی

شرکت‌های دولتی به‌طور سنتی اطلاعات مالی مربوط به عملکرد پایداری اقتصادی خود را به قانون‌گذاران و سهام‌داران افشا کرده و می‌توانند داوطلبانه اطلاعات غیرمالی مربوط به عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را به سایر ذی‌نفعان افشا کنند. گزارش مالی الزامی شامل صورت‌های مالی و گزارش حسابرسی مطابق با اصول حسابداری پذیرفته شده در ایالات متحده و یا استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی^{۱۳} می‌باشد. این صورت‌های مالی الزامی باید با توجه به استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و بیمه^{۱۴} یا استانداردهای حسابرسی در ایالات متحده به‌منظور اعتباربخشی به این صورت‌های مالی در راستای مربوط بودن، مفید بودن، قابل اطمینان بودن و شفافیت برای سرمایه‌گذاران حسابرسی شود.

گزارش‌های مربوط به ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در حال حاضر به‌عنوان افشای هرگونه اطلاعات مالی و غیرمالی جدای صورت‌های مالی، که توسط قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استاندارد مورد نیاز است. اخیراً، چندین کشور از جمله استرالیا، اتریش، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، مالزی، هلند، سوئد، هنگ‌کنگ و انگلستان، گزارش‌گری الزامی اطلاعات مربوط به پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را پذیرفته‌اند. انتظار بر این است که قانون‌گذاران سایر کشورها نیز از این موضوع پیروی کرده و به سمت گزارش‌گری الزامی پایداری اقتصادی و محیطی، اجتماعی و حاکمیتی حرکت کنند. چندین سازمان جهانی از جمله سازمان گزارش‌گری جهانی^{۱۵}، شورای گزارش‌گری یکپارچه بین‌المللی^{۱۶} و هیأت استانداردهای حسابداری پایداری^{۱۷} توسعه یافته و ادامه پیدا کرده‌اند و دستورالعمل‌هایی را برای یکپارچگی پایداری گزارش‌گری و اطمینان‌بخشی

اجتماعی و حاکمیتی باعث تشویق مدیران به تمرکز بر عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌شود.

گزاره‌ی ۴ پ: محرک‌های اصلی درازمدت و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی دارای نوآوری در جذب استعداد، جلب رضایت مشتری، شهرت و اعتبار شرکت، وفاداری و مسئولیت به جامعه و محیط زیست هستند.

چارچوب نظری که در بخش دوم مطالعه شد، دو دیدگاه راجع به ارتباط ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ارائه می‌کند. یکی از دیدگاه‌ها این است که ابعاد عملکرد مالی و غیرمالی، مکمل هستند، زیرا شرکت‌هایی که به‌طور موثر اداره می‌شوند، به اصول اخلاقی و به مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی متعهد می‌شوند و تعهدات زیست محیطی ناشی از عملکرد مالی بلندمدت پایدار می‌باشد. دیدگاه دیگر این است که شرکت‌ها باید در بلندمدت به لحاظ مالی خوب عمل کنند تا بتوانند از نظر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی و فعالیت‌های زیست محیطی نیز عملکردی خوب داشته باشند. بنابراین، ابعاد مالی و غیرمالی عملکرد پایداری با یکدیگر ارتباط دارند و باید در راستای دستیابی به هزینه‌ی بهره‌وری (انرژی پاک و ارزان‌تر، محصولات ارگانیک، ایمن و با کیفیت بالا، بازیافت، کاهش ضایعات) و برای تولید درآمد (فروش مشتری و حق بیمه‌ی اجتماعی، محصولات و خدمات سازگار با محیط زیست) و مدیریت مخاطره پایداری با هم در تعامل باشند. بنابراین، گزاره‌های زیر می‌توانند در مورد بهبود مستمر در عملکرد پایداری اقتصادی و عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی مطرح باشند:

گزاره‌ی ۴ ت: مدیریت با تمرکز پایدارگرا به احتمال زیادی عملکرد پایداری اقتصادی و عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را به عنوان مکمل، به‌جای تعارض و رقابت با یکدیگر، در نظر می‌گیرند.

گزاره‌ی ۴ ث: فرهنگ سازمانی همراه با نگرش مدیریت نسبت به پایداری می‌تواند به‌طور قابل توجهی

گزاره‌ی ۵ ت: شرکت‌هایی، گزارش‌های مستقل مربوط به پایداری را منتشر می‌کنند، که به احتمال زیاد برای اعتباربخشی و اطمینان‌بخشی از خدمات تخصصی حسابرسی استفاده می‌کنند.

۸- نتیجه‌گیری

پایداری شرکتی از نام و نشان تجاری به یک ضرورت تجاری به‌عنوان الزام قانون‌گذاران، تقاضای سرمایه‌گذاران، و استمرار شرکت‌ها به افشای پایداری پیشرفت نموده است. بیش از ۸۰۰۰ شرکت دولتی در حال حاضر افشای اطلاعات مربوط به ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی خود را در گزارش پایداری یکپارچه و یا در تلفیق با سایر گزارش‌های شرکت است. این مقاله چارچوبی برای پایداری سازمانی را ارائه می‌دهد که سازمان‌های تجاری را قادر می‌سازد تا بر عملکرد و کارایی پایداری و بلندمدت خود و بهبود مستمر آنها تمرکز کنند و اطلاعات مربوط به عملکرد پایداری را به کلیه ذی‌نفعان ارسال نمایند. در این زمینه، پایداری بر فعالیت‌های تجاری تمرکز می‌کند که با خلق ارزش سهام از طریق ایجاد عملکرد پایداری اقتصادی مالی بلندمدت و نیز همانند فعالیت‌های داوطلبانه که منجر به دستیابی به عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌شود که به کلیه ذی‌نفعان مربوط می‌شود.

چارچوب پایداری یک‌پارچه پیشنهادی شامل چهار راهبرد ادغام تئوری پایداری: خلق ارزش مشترک، بهبود مستمر عملکرد و گزارش‌گری و اطمینان‌بخشی است. این چارچوب، بهبود مستمر عملکرد پایداری در ایجاد یک مدل کسب و کار را بر اساس تئوری ذی‌نفعان/ نظارتی ارائه می‌دهد که باعث خلق ارزش مشترک، ساختار نام و نشان تجاری، مشارکت کارکنان، رضایت‌مندی مشتری و فعالیت‌های محیطی و اجتماعی می‌شود. این چارچوب پایداری یکپارچه تصدیق می‌کند که اتخاذ تصمیم در زمینه پایداری نیز پیچیده است و با عدم اطمینان کامل توأم

ایجاد کرده‌اند. سازمان گزارش‌گری جهانی در دستورالعمل‌های پایداری G4 (۲۰۱۳) گزارش‌های یکپارچه را در مورد ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی ارتقا می‌دهد. دو استاندارد بیمه به‌کار رفته مرتبط با IAASB (استاندارد بین‌المللی برای تعهدات بیمه) منتشر شده است عبارتند از: غیر از حسابرسی یا بازنگری اطلاعات مالی تاریخی^{۱۸} (ISAE 3000) و تعهدات بیمه شده در مورد اطلاعاتی که از گزارش‌های حسابرسی در اطمینان‌بخشی در مورد اطلاعات مربوط به ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی، حاکمیتی ارائه می‌دهد.

با اطمینان از این گزارش‌ها، قابلیت اطمینان، عینیت و اعتبار گزارش‌های مربوط به پایداری فراهم می‌شود که این خود منجر به گزاره‌های زیر می‌گردد:

گزاره‌ی ۵ الف: مدیریت با تمرکز بیشتر مرتبط با پایداری، به احتمال زیادی اطلاعات عملکرد پایداری را به‌منظور انعکاس مطلوب و پررنگ عملکرد پایداری و ارایه‌ی تفاوت‌ها با شرکت‌های با پایداری کم‌تر افشا می‌کنند.

گزاره‌ی ۵ ب: شرکت‌هایی که تمایل بیشتری نسبت به ارتقای نام و نشان شرکتی و تجاری خود دارند و نیاز به بهبود اعتماد و اطمینان ذی‌نفعان در ابتکارات و عملکرد پایدار خود دارند، به احتمال زیادی اقدام به افشای ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و ابعاد غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی می‌کنند.

گزاره‌ی ۵ پ: مدیریتی که اطلاعات عملکرد پایداری را افشا می‌کند به احتمال زیادی اطمینان‌بخشی پایداری را با افزایش اعتباربخشی افشای اطلاعات پایداری فراهم می‌کند.

گزاره‌ی ۵ ت: شرکت‌هایی، گزارش‌های مستقل مربوط به پایداری را منتشر می‌کنند، که به احتمال زیاد اطمینان‌خاطر از گزارش‌های مربوط به پایداری را داشته باشند.

محیطی و اجتماعی سازمان بر روی طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان خارجی هستند. اطلاعات گزارشگری پایداری بایستی ویژگی‌های کیفی از قبیل شفافیت و قابلیت مقایسه را در رابطه با مفهوم پایداری نمایش داده و ذی‌نفعان را قادر سازد تا بتوانند اثرات زیستی و اجتماعی سازمان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهند. جامعه به اطلاعاتی نیاز دارد که بر اساس آنها بتوان اثرات عملکرد سازمان بر روی پایداری را ارزیابی نماید. همچنین کارکنان علاقمندند در شرکتی فعالیت کنند که هم از سطوح اخلاقی بالا و هم از ارزش‌آفرینی بلندمدت برخوردار باشد. گروه‌های مختلف ذینفع علاقمند به بازی برد برد با واحد تجاری هستند (برمسر، ۲۰۱۴). بنابراین یک جنبه مهم حسابهای پایداری تدوین اهداف پایداری است. اهدافی که ذی‌نفعان را قادر به ارزیابی سطوح مختلف ناپایداری سازمان‌ها بنماید (لامبرتون، ۲۰۰۵). تهیه اطلاعات گزارشگری پایداری برای استفاده‌کنندگان درون سازمانی با تمرکز بر تهیه اطلاعات مربوط و مفید برای تصمیم‌گیری مدیران همراه است. برای مثال، مجموعه‌ای از معیارهای عملکردی و داده‌های چرخه محیط زیست مربوط به اهداف پایداری که مدیران را قادر به دستیابی به اهداف چندگانه پایداری بنماید.

امروزه توسعه‌ی فراگیر الزامات گزارشگری اجتماعی و محیطی توسط نهادهای مقرراتی و بورس‌های اوراق بهادار در سطح جهانی بسیار مشهود است. در واقع این رشد روزافزون الزامات گزارشگری انعکاسی از افزایش اهمیت گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی یا پایداری شرکت‌ها در بازارهای مالی امروز است و توجه به ابعاد مرتبط با شفافیت و پاسخ‌گویی فرا مالی در بازارهای مالی بسیار مورد تمرکز و توجه است. از این رو اهمیت آرایه‌ی داده‌های با اهمیت اجتماعی و محیطی برای شرکت‌های سهامی عام بورس و ارتقا در فن‌آوری گزارشگری مالی به کمک ابزارهای نوین از جمله گزارشگری تحت وب در محدوده و دامنه‌ای فراتر از ابعاد صرف مالی یک امر اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود.

می‌باشد، درست مانند تصمیم‌گیری برای ارزش‌آفرینی سهام‌داران، چرا که پایداری مستلزم سرمایه‌گذاری با توجه به آینده مبهم است. چارچوب توسعه یافته در این مقاله ابعاد عملکرد پایداری اقتصادی و محیطی، اجتماعی و حاکمیتی را در تصمیم‌گیری مدیریتی در شرایط عدم اطمینان مربوط به تعارض‌های مکمل/تکمیل‌کننده و یا رقابت/چالش در ابعاد عمل‌کرد پایداری، یکپارچه می‌کند. این موضوع ابعاد عملکرد پایداری را از لحاظ مشارکت خود در خلق ارزش سهام که به نفع کلیه ذی‌نفعان است، مورد بحث قرار می‌دهد.

هدف اصلی گزارش چارچوب گزارشگری پایداری شرکتی سنجش عملکرد در راستای پایداری و فراهم کردن اطلاعات مفید طبق نظریه سودمندی در تصمیم‌گیری برای ذینفعان مختلف است. گزارشگری پایداری شرکتی مرکز ثقل همبستگی دو نظریه شامل تئوری سودمندی در تصمیم‌گیری و تئوری ذی‌نفعان است. هسته این مباحثات این است که آیا در سطح شرکت، پایداری موضوعی مربوط و دارای اهمیت است یا خیر؛ و آیا می‌توان پایداری را مورد ارزیابی و سنجش قرار داد؟ مفهوم توسعه پایدار در قالب موضوعی چند بعدی یا چند سطحی مورد سازماندهی قرار گرفته است (استرایک و رندز، ۱۹۹۵) که هر بعد یا سطح مختلف آن وابستگی داخلی زیادی با سایر ابعاد یا سطوح دارد. پیشرفت واقعی به سوی پایداری جهانی مستلزم فعالیت در کلیه‌ی این سطوح است.

به بیان چمبرز طبق رویکرد سودمندی در تصمیم‌گیری، گزارش‌های سیستم اطلاعاتی باید برای تصمیم‌های متنوع مفید باشد؛ تصمیم‌هایی که مورد انتظار است سیستم مزبور برای اتخاذ آن‌ها فرآهم‌کننده‌ی تسهیلاتی باشد. این اعتقاد وجود دارد که سیستم اطلاعاتی نباید منحصراً الگوی تصمیم‌گیری گروه‌های خاصی را پوشش دهد. همانند حسابداری سنتی، نوع اتخاذ تصمیم‌های استفاده‌کنندگان درون‌سازمانی و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی گزارشگری پایداری از یگدیگر قابل تمایز هستند. استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی به دنبال آگاهی در مورد اثرات زیست

راه‌کاری جز توصیه به اجرای قانون‌مند پایداری شرکتی ندارند، تا بتوانند منافع آتی عموم را حفظ کنند.

به‌طور خلاصه فرآیند تخریب زیست‌محیطی توسط بنگاه‌ها و ایجاد گازهای گلخانه‌ای باعث دخالت و نظارت دولت‌ها و قانون‌گذاران و نهادهای نظارتی بر بنگاه‌ها برای رعایت مسایل زیست‌محیطی به‌منظور حفظ منافع عمومی و توسعه‌ی پایدار جوامع شد. سازمان گزارش‌گری جهانی شاخص‌های پایداری بلندمدت بنگاه‌های اقتصادی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی اعلام و مقرر کرده بنگاه‌ها این شاخص‌ها را رعایت کنند.

ایران جایگاه خاصی در اقتصاد جهان دارد. از یک طرف دارای منابع عظیم نفت و گاز و همچنین منابع غیرنفتی قابل ملاحظه‌ای نظیر معادن زغال‌سنگ، سنگ‌های زینتی و طلا بوده و از طرف دیگر جغرافیای سیاسی، نقش آن را برجسته کرده که متأسفانه به دلیل عدم دسترسی به ظرفیت مالی، اقتصادی کشور، رتبه‌ی خاصی در کشور ندارد، اما با اعمال سیاست‌های موزون و درست سیاسی، اقتصادی می‌توان طی یک برنامه‌ی اجتماعی، اقتصادی به سرعت آن‌را بازسازی کرد و در مسیر شتابان قرار داد. بدیهی است با وضعیت فعلی که حجم بازار سرمایه ایران حداکثر ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار (با توجه به نرخ ارز فعلی) است، شاید نهادهای نظارتی الزاماتی برای اجرای حاکمیت شرکتی و پایداری شرکتی مشاهده نمی‌کنند، اما واقعیت آن است که ما پاره‌ای از جهان بهم پیوسته هستیم و ناچاریم دیر یا زود با این جهان بهم پیوسته درهم آمیزیم. بنابراین چه بهتر که هرچه زودتر خود را با الزامات و مؤلفه‌های جدید اقتصادی آشنا کرده و در جهت همسان‌سازی با اقتصاد جهانی گام برداریم. به نظر می‌رسد، قانون‌مند کردن حاکمیت شرکتی و اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و اصلاحیه ۱۳۴۷ از نخستین اقدامات ضروری جهت پیوستن به اردوگاه جهانی باشد. از طرف دیگر نظارت بورس بر شرکت‌های عضو جز از طریق شفاف‌سازی و رعایت الزامات قانونی از

ظهور مقوله‌هایی چون حسابداری مسئولیت‌های اجتماعی در فرآیند توسعه و تکامل سرمایه‌داری جهانی و تغییر در انتظارات جامعه از بنگاه‌های فراملیتی باعث ایجاد تعاریف جدید و پیدایش پدیده‌هایی هم‌چون حاکمیت شرکتی، توسعه‌ی پایدار و پایداری شرکتی شده که اعمال این گونه پدیده‌ها مسئولیت مدیران بنگاه‌ها را دو چندان کرده است. از طرف دیگر دولت‌ها و نهادهای نظارتی به‌عنوان امین ناظر جوامع نیز برای حفاظت از منافع عمومی ناچارند حوزه نظارتی خود را بر بنگاه‌های اقتصادی تشدید کنند. تحقیقات به‌عمل آمده نشان می‌دهند اجرای این مسئولیت‌های جدید در بنگاه‌های اقتصادی باعث کاهش هزینه‌های مستقیم (مواد اولیه، انرژی، اتلاف وقت) و همچنین موجب افزایش بهره‌وری کارکنان (از طریق افزایش انگیزه، کاهش غیبت، و دقت بیشتر در فرآیند تولید) شده است.

پایداری شرکتی یک فرآیند و به نوعی سفر برای رسیدن به عملکرد پایدار در تمامی ۵ بعد پایداری شامل اقتصاد، دولت، جامعه، اخلاق و محیط زیست بوده که واژه EGSEE مخفف این ابعاد ۵ گانه است. اهمیت نسبی ابعاد با توجه به یکدیگر و تعامل آن‌ها با حداکثرسازی ارزش کلی بلندمدت شرکت تحت‌تأثیر این است که آیا ابعاد EGSEE در رقابت، تضاد یا تکامل یکدیگر دیده می‌شوند. این ابعاد مکمل یکدیگرند، شرکتی که به صورت موثر رهبری می‌شود، طرفدار اصول اخلاقی بوده، به حاکمیت مسئولیت اجتماعی و الزامات زیست محیطی متعهد است و می‌تواند در ایجاد عملکرد مالی بلندمدت، پایدار باشد. بنابراین چارچوب پایداری شرکتی بر پایه‌ی تئوری ذی‌نفعان ساخته شده که فرآیندی برای حفاظت منافع همه‌ی ذی‌نفعان با تمرکز بر دستیابی به عملکرد مالی و غیرمالی بلندمدت برای همه‌ی صاحبان شرکت از سهام‌داران گرفته تا بستانکاران، مشتریان، تأمین‌کنندگان، جامعه و محیط زیست است. لذا اگر پایداری شرکتی را رفع نیازهای فعلی بنگاه‌ها بدون از بین بردن و یا به خطر انداختن توانایی و ظرفیت آتی بنگاه‌ها بدانیم، دولت‌ها و قانون‌گذاران

2007. "Putting the S Back in Corporate Social Responsibility: A Multilevel Theory of Social Change in Organizations." *Academy of Management Review*, 32(3): 836-63.
- * Al-Tuwaijri, Sulaiman A., Theodore E. Christensen, and K. Hughes II. 2004. "The Relations Among Environmental Disclosure, Environmental Performance, and Economic Performance: A Simultaneous Equations Approach." *Accounting, Organizations and Society*, 29(5-6): 447-71.
- * Antolín-López, R., Delgado-Ceballos, J., Montiel, I. 2016. "Deconstructing Corporate Sustainability: A Comparison of Different Stakeholder Metrics." *Journal of Cleaner Production*, 36(Part A): 1-13.
- * Aras, G., Crowther, D. 2008. "Governance and Sustainability: An Investigation into the Relationship between Corporate Governance and Corporate Sustainability." *Management Decision*, 46(3): 433-448.
- * Bansal, P. 2005. "Evolving Sustainably: A Longitudinal Study of Corporate Sustainable Development." *Strategic Management Journal*, 26(3): 197-218.
- * Bansal, Pratima and Brent McKnight. 2009. "Looking Forward, Pushing Back and Peering Sideways: Analyzing the Sustainability of Industrial Symbiosis." *Journal of Supply Chain Management*, 45(4): 26-37.
- * Baumgartner, R.J. Ebner, D. 2010. "Corporate Sustainability Strategies: Sustainability Profiles and Maturity Levels." 76-89.
- * Barth, Mary E., Wayne R. Landsman, and Mark H. Lang. 2008. "International Accounting Standards and Accounting Quality." *Journal of Accounting Research*, 46(3): 467-98.
- * Bebbington, Jan, and Carlos Larrinaga. 2014. "Accounting and Sustainable Development: An Exploration." *Accounting, Organizations and Society*, 39(6): 395-413.
- * Beyer, Anne, Daniel A. Cohen, Thomas Z. Lys, and Beverly R. Walther. 2010. "The Financial Reporting Environment: Review of the Recent Literature." *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3): 296-343.
- * Bradford, M., Earp, Julia B., Showalter, D.S., Williams, Paul F. 2017. "Corporate Sustainability Reporting and Stakeholder Concerns: Is There a Disconnect?" *Accounting Horizons*, 31(1): 83-102.
- طریق حاکمیت شرکتی در درجه ی اول و سپس با یک برنامه زمان‌بندی پایداری شرکتی نباشد. ارتباط بین ابعاد مالی عملکرد پایداری اقتصادی و غیرمالی عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی چالش‌های احتمالی بین این ابعاد پایداری و تأثیر یکپارچه‌ی آن‌ها بر عملکرد بازار، هزینه‌ی حقوق صاحبان سهام و ارزش شرکت هنوز در پژوهش‌های علمی به میزان کافی بررسی نشده است. بنابراین، فرصت‌های پژوهشی متعددی در زمینه‌ی پایداری شرکت‌ها، از جمله تنوع هیأت‌مدیره، پاداش هیأت‌مدیره، جایگاه مدیریتی پاداش، اثربخشی حاکمیت شرکتی، طرح‌های زیست محیطی، مدیریت زنجیره‌ی تامین پاداش، تعهدات مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی، تناسب پایداری در رده‌های بالا از جمله سیاست‌ها و رویه‌ها، گزارش یکپارچه و پیوست شده در عملکرد پایداری، اطمینان مستمر در گزارش‌گری پایداری، و دستورالعمل‌ها و استانداردهای در حال ظهور در گزارش‌گری و اطمینان‌بخشی پایداری وجود دارد.
- ### فهرست منابع
- * تفرشی مطلق، علی‌رضا؛ الفت، لعیا؛ بامداد صوفی، جهانیار؛ امیری، مقصود؛ ۱۳۹۶. سنجش‌های پایداری شرکتی در صنایع متوسط غذایی ایران، فصلنامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی، شماره‌ی ۸۲، صص: ۱۰۵ - ۷۷.
- * حساس‌یگانه، یحیی؛ برزگر، قدرت‌اله؛ ۱۳۹۴. مدلی برای افشای مسئولیت اجتماعی و پایداری شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه‌ی بورس اوراق بهادار، شماره‌ی ۲۹، صص: ۱۱۰ - ۹۱.
- * علی‌خانی، راضیه؛ مران‌جوری، مهدی؛ ۱۳۹۳. کاربرد تئوری‌های افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره‌ی ۹، صص: ۵۳ - ۳۶.
- * Aguilera, Ruth V., Deborah E. Rupp, Cynthia A. Williams, and Jyoti Ganapathi.

- * Dainelli, Francesco, Laura Bini, and Francesco Giunta. 2013. "Signaling Strategies in Annual Reports: Evidence from the Disclosure of Performance Indicators." *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 29(2): 267-77.
- * Deegan, C., Rankin, M. and Tobin, J. 2002. "An examination of the corporate social and environmental disclosures of BHP from 1983-1997—A test of legitimacy theory." *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 15(3): 312-343.
- * Dhaliwal, Dan S., Oliver Zhen Li, Albert Tsang, and Yong George Yang. 2011. "Voluntary Nonfinancial Disclosure and Cost of Equity Capital: The Initiation of Corporate Social Responsibility Reporting." *The Accounting Review*, 86(1): 59-100.
- * Ditillo, A., Lisi, Irene E. 2016. "Exploring Sustainability Control Systems' Integration: The Relevance of Sustainability Orientation." *Journal of Management Accounting Research*, 28(2): 125-148.
- * Dočekalová, M. P., Kocmanová, A. 2016. "Composite Indicator for Measuring Corporate Sustainability." *Ecological Indicators*, 61: 612-623.
- * El Ghouli, Sadok, Omrane Guedhami, Chuck C.Y. Kwok, and Dev R. Mishra. 2011. "Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital?" *Journal of Banking and Finance*, 35(9): 2388-406.
- * Elijido-Ten, E., Kloot, L. and Clarkson, P. 2010. "Extending the application of stakeholder influence strategies to environmental disclosures: An exploratory study from a developing country." *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 23(8): 1032-1059.
- * Elkington, J. (1998); "Accounting for the Triple Bottom Line", *Measuring Business Excellence*, no.2(3), pp.18-22.
- * Eweje, G. 2011. "A Shift in Corporate Practice? Facilitating Sustainability Strategy in Companies." *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 18(3): 125-136.
- * Fama, Eugene F., and Michael C. Jensen. 1983. "Separation of Ownership and Control." *The Journal of Law and Economics, Corporations and Private Property: A Conference Sponsored by the Hoover Institution*, 26(2): 301-25.
- * FAO. 2013. "Sustainability Assessment of Food and Agriculture systems."
- * Berardi, U. 2015. "Sustainability Assessments of Buildings, Communities, and Cities." *Assessing and Measuring Environmental Impact and Sustainability*.
- * Bremser, Wayne G. 2014. *A Growing Interest in Sustainability Paving the Way for the Next Generation of CPAs*. March. *The CPA Journal*, 15-17.
- * Brockett, Ann, and Zabihollah Rezaee. 2012. *Corporate Sustainability: Integrating Performance and Reporting*. Hoboken, NJ: John Wiley and Sons.
- * Brown Jr., William D., Haihong He, and Karen Teitel. 2006. "Conditional Conservatism and the Value Relevance of Accounting Earnings: An International Study." *European Accounting Review*, 15(4): 605-26.
- * Carter, Craig R., and P. Liane Easton. 2011. "Sustainable Supply Chain Management: Evolution and Future Directions." *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management*, 41(1): 46-62.
- * CFA Institute. 2015. "Environmental, Social and Governance (ESG) Survey." <http://irrcinstitute.org/pdf/FINAL-CFA-ESG-Study-August-2015.pdf> (accessed June 3.)
- * Chow, W. S., Chen, Y. 2011. "Corporate Sustainable Development: Testing a New Scale Based on the Mainland Chinese Context." *Journal of Business Ethics*, 105(4): 519-533.
- * Clarkson, Peter M., Yue Li, Gordon D. Richardson, and Florin P. Vasari. 2011. "Does it Really Pay to Be Green? Determinants and Consequences of Proactive Environmental Strategies." *Journal of Accounting and Public Policy*, 30(2): 122-44.
- * Connelly, Brian L., S. Trevis Certo, R. Duane Ireland, and Christopher R. Reutzel. 2011. "Signaling Theory: A Review and Assessment." *Journal of Management*, 37(1): 39-67.
- * Contrafatto, Massimo 2014. "The Institutionalization of Social and Environmental Reporting: An Italian Narrative." *Accounting, Organizations and Society*, 39(6): 414-32.
- * Corbett, Charles J., and Robert D. Klassen. 2006. "Extending the Horizons: Environmental Excellence as Key to Improving Operations." *Manufacturing & Service Operations Management*, 8(1): 5-22.

- of Corporate Social Performance: Evidence from Short Selling.” *Journal of Management Accounting Research*, 28(2): 29-52.
- * Jensen, Michael. 2001. “Value Maximization, Stakeholder Theory, and the Corporate Objective Function.” *European Financial Management*, 7(3): 297-317.
 - * Kaler, J. 2003. “Differentiating Stakeholder Theories.” *Journal of Business Ethics*, 46: 71-83.
 - * Khan, Mozaffar, George Serafeim, and Aaron Yoon. 2016. “Corporate Sustainability: First Evidence on Materiality.” *The Accounting Review*. 91(6): 1697-1724.
 - * Kiron, David, Nina Kruschwitz, Knut Haanaes, Martin Reeves, Sonja-Katrin Fuisz- Kehrba, and Gerg Kell. 2015. “Joining Forces: Collaboration and Leadership for Sustainability.” *MIT Sloan Management Review*, the Boston Consulting Group, and the United Nations Global Compact.
<http://marketing.mitsmr.com/PDF/56380-MITSMR-BGC-UNGC-Sustainability2015.pdf?cid=1> (accessed January 12.)
 - * KPMG. 2015. “Currents of Change: The KPMG Survey of Corporate responsibility Reporting 2015.” <https://assets.kpmg.com/content/dam/kpmg/pdf/2016/02/kpmg-international-survey-of-corporate-responsibility-reporting-2015.pdf>.
 - * Lamberton, Geoff. 2005. Sustainability accounting-a brief history and conceptual framework. *Accounting Forum*, 29: 7-26 .
 - * Lozano, R., Carpenter, A., Huisingh, D. 2014. “A Review of Theories of the Firm and Their Contributions to Corporate Sustainability.” *Journal of Cleaner Production*, 106: 430-442.
 - * Luchs, Michael G., Rebecca Walker Naylor, Julie R. Irwin, and Rajagopal Raghunathan. 2010. “The Sustainability Liability: Potential Negative Effects of Ethicality on Product Preference.” *Journal of Marketing*, 74(5): 18-31.
 - * McGrath, Rita Gunther, Walter J. Ferrier, and Aubrey L. Mendelow. 2004. “Response: Real Options as Engines of Choice and Heterogeneity.” *The Academy of Management Review*, 29(1): 86-101.
 - * Ng, Anthony C., and Zabihollah Rezaee. 2015. “Business Sustainability Performance and Cost of Equity Capital.” *Journal of Corporate Finance*, 34: 128-49.
 - * Sustainability Assessment of Food and Agriculture systems, 1-267.
 - * Fawcett, Stanley E., Matthew A. Waller, and Donald J. Bowersox. 2011. “Cinderella in the C-Suite: Conducting Influential Research to Advance the Logistics and Supply Chain Disciplines.” *Journal of Business Logistics*, 32(2): 115-21.
 - * Garcia, S., Cintra, Y., Torres, R. de C. S. R., Lima, F.G. 2016. “Corporate Sustainability Management: A Proposed Multi-criteria Model to Support Balanced Decision-making.” *Journal of Cleaner Production*, 136(Part A): 181-196.
 - * Gray, Robert H. 2010. “Is Accounting for Sustainability Actually Accounting for Sustainability.... And How Would We Know? An Exploration of Narratives of Organizations and the Planet.” *Accounting, Organizations and Society*, 35(1): 47-62.
 - * Healy, Paul M., and Krishna G. Palepu. 2001. “Information Asymmetry, Corporate Disclosure, and the Capital Markets: A Review of the Empirical Disclosure Literature.” *Journal of Accounting and Economics*, 31(1-3): 405-40.
 - * Hernandez, Morela. 2008. “Promoting Stewardship Behavior in Organizations: A Leadership Model.” *Journal of Business Ethics*, 80(1): 121-28.
 - * Hernandez, Morela. 2012. “Toward an Understanding of the Psychology of Stewardship.” *Academy of Management Review*. 37(2): 172-93.
 - * Hopwood, Anthony G. 2009. “Accounting and the Environment.” *Accounting, Organizations and Society*, 34(3-4): 433-9.
 - * Huang, Xiaobei Beryl, and Luke Watson. 2015. “Corporate Social Responsibility Research in Accounting.” *Journal of Accounting Literature*, 34: 1-16 .
 - * Huang, C. L. and Kung, F. H. 2010. “Drivers of environmental disclosure and stakeholder expectation: Evidence from Taiwan.” *Journal of Business Ethics*, 96: 435-451.
 - * International Federation of Accountants. 2015. “Accounting for Sustainability: From Sustainability to Business Resilience.” July.
 - * Islam, M. A. and Deegan, C. 2008. “Motivations for an organization within a developing country to report social responsibility information: Evidence from Bangladesh.” *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 21(6): 850-874.
 - * Jain, Archana, Pankaj K. Jain, and Zabihollah Rezaee. 2016. “Value-Relevance

- organizations. *Academy of Management Review*, 20(4): 908-935.
- * Tonello, Matteo, and Thomas Singer. 2015b. "Sustainability Practices 2015." The Conference Board. <https://www.conference-board.org/pdfdownload.cfm?masterProductID=9311>.
 - * Unruh, Gregory, David Kirin, Nina Kruschwitz, Martin Reeves, Holger Rubel, and Alexander Meyer zum Felde. 2016. "Investing for a Sustainable Future." *MIT Sloan Management Review*. May. <http://sloanreview.mit.edu/projects/investing-for-a-sustainable-future/>.
 - * Verrecchia, Robert E. 2001. "Essays on Disclosure." *Journal of Accounting and Economics*, 32(1-3): 97-180.
 - * Waddock, Sandra A., and Samuel B Graves. 1997. "The Corporate Social Performance financial Performance Link." *Strategic Management Journal*, 18(4): 303-19.
- یادداشت‌ها**
1. Economic Sustainability Performance (ESP)
 2. Non-Financial Environmental, Social, and Governance Sustainability Performance
 3. corporate social responsibility (CSR)
 4. International Federation of Accountants (IFAC)
 5. World Commission on Environment and Development
- سبزشویی به انگلیسی Greenwashing واژه‌ای است که به دورویی انسان‌های به‌ظاهر دوست‌دار محیط زیست اشاره دارد به این صورت که با نام حمایت از محیط زیست به محیط زیست صدمه می‌زنند. برای اثبات سبزشویی اغلب به این موضوع استناد می‌شود که بیش از آن‌که واقعاً در مسیر دوستی با محیط زیست فعالیت کنند، برای سبز بودن تبلیغ و هزینه می‌کنند. نخستین بار در ۱۹۸۶ محقق نیویورکی به نام جی-وسترولت به انگلیسی Jay Westervelt واژه سبزشویی را به معنای دست‌آویز کردن دوست‌دار محیط زیست بودن برای کسب منفعت مالی بیشتر به کار برد. سبزشویی از روی سفیدشویی یا سفیدنمایی سکه زده شده است. سفیدشویی استعاره از پنهان کردن آثار جرم یا حقایق و واقعیت‌ها است. عمل سفیدشویی عامدانه به قصد منحرف کردن روند بازرجایی و تحقیقات یا ایجاد تورش و سوگیری در داده‌ها و اطلاعات انجام می‌شود. سبزشویی که زیرمجموعه‌ای از سفیدشویی است تقلب در رایجی اطلاعات و داده‌های سبز به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر همان سفیدشویی ولی با برس یا قلم موی سبز برای پنهان کردن حقایق و واقعیت‌های زیست محیطی است. در واقع سبزشویی نوعی از سفیدشویی است که ارتکاب آن منجرأ در عرصه‌ی زیست محیطی و پایداری رخ می‌دهد. جنگال خودروهای دیزلی آلمانی مثل فولکس واگن، بی‌ام‌دبلیو و ... در سال‌های گذشته مصادیق افشا شده‌ی سبزشویی در سال‌های اخیر است
7. CFA Institute
 8. Social Investment Forum
 9. European Commission
 10. United Nations Global Compact
 11. Executive Compensation
 12. Committee for Economic Development (CED)
 13. Sarbanes-Oxley
 14. International Financial Reporting Standards (IFRS)
 15. International Auditing and Assurance Standards (IAAS)
 16. Global Reporting Initiative (GRI)
 17. International Integrated Reporting Council (IIRC)
 18. Sustainability Accounting Standard Board (SASB)
 19. International Standard on Assurance Engagements (ISAE)
 20. Reviews of Historical Financial Information
 21. Greenhouse Gas
- * Owen, D. L., Swift, T. a., Humphrey, C., Bowerman, M. 2000. "The New Social Audits: Accountability, Managerial Capture or the Agenda of Social Champions?" *European Accounting Review*, 9(1): 81-98.
 - * Pagell, Mark, Zhaohui Wu, and Nagesh N. Murthy. 2007. "The Supply Chain Implications of Recycling." *Business Horizons*, 50(2): 133-43.
 - * Porter, Michael E., and Mark R. Kramer. 2011. "Creating Shared Value," *Harvard Business Review*, January-February: 62-77.
 - * Rehbein, Kathleen. 2014. "Research Briefs: What Drives Executives to Make Socially Responsible Investments?" *Academy of Management Perspectives*, 28(3). <http://dx.doi.org/10.5465/amp.2014.0132>.
 - * Rezaee, Zabihollah. 2015. *Business Sustainability: Performance, Compliance, Accountability and Integrated Reporting*. Sheffield, UK: Greenleaf Publishing Limited.
 - * Rezaee, Zabihollah. 2016. "Business Sustainability Research: A Theoretical and Integrated Perspective." *Journal of Accounting Literature*, 36: 48-64.
 - * Rezaee, Zabihollah. 2017. "Corporate Sustainability: Theoretical and Integrated Strategic Imperative and Pragmatic Approach." *The Journal of Business Inquiry*, 16(1): 60-87.
 - * Rogers, Jean. 2015. "Why Investors Should Look Beyond a Company's Financials." *Fortune*, August 11. <http://fortune.com/2015/08/11/why-investors-should-look-beyond-a-companys-financials/>
 - * Schneider, A., Meins, E. 2012. "Two Dimensions of Corporate Sustainability Assessment: Towards a Comprehensive Framework." *Business Strategy and the Environment*, 21(4): 211-222.
 - * Selmier, W. Travis, Aloysius Newenham-Kahindi, and Chang Hoon Oh. 2015. "Understanding the Words of Relationships: Language as an Essential Tool to Manage CSR in Communities of Place." *Journal of International Business Studies*, 46(2): 153-79.
 - * Starik, Mark, and Patricia Kanashiro. 2013. "Toward a Theory of Sustainability Management: Uncovering and Integrating the Nearly Obvious." *Organization & Environment*, 26(1): 7-30.
 - * Starik, M., Rands, G. P. 1995. Weaving an integrated web: Multilevel and multisystem perspectives of ecologically sustainable